

۵ تیر ۱۴۰۰ - ۲۶ ژوئن ۲۰۲۱

روایت‌های هولناک برادران افکاری از شکنجه و مصونیت کامل عاملان و آمران - یافته‌های تحقیقاتی تازه

گزارش تحقیقی پیش رو که سازمان عفو بین‌الملل آن را به مناسبت روز جهانی حمایت از قربانیان شکنجه منتشر کرده، جزئیات هولناکی از شکنجه و سایر رفتارهای بی‌رحمانه، غیرانسانی و ترذیلی علیه **وحید افکاری و حبیب افکاری** را مستند نموده است. برادران افکاری از معترضان اعتراضات سال ۱۳۹۷ هستند و از آن زمان در حبس ناعادلانه به سر می‌برند. گزارش پیش‌رو هم‌چنین نشان می‌دهد چطور مقامات دادستانی و قضایی ایران شکایات متعددی که این زندانیان به امید رسیدن به حقوق خود در زمینه روشن شدن حقایق، برقراری عدالت و جبران خسارت از داخل زندان ثبت کرده‌اند را نادیده گرفته و یا رد کرده‌اند.

برادران حبیب و وحید افکاری در حال سپری کردن احکام طولانی مدت حبس در زندان عادل‌آباد شیراز در استان فارس هستند. احکام آن‌ها طی چندین محاکمه به شدت غیرمنصفانه صادر شده است و با وجود درخواست‌های مکرر آن‌ها مبنی بر کنار گذاشته شدن «اعترافات» اجباری و صدور دستور انجام تحقیقات مستقل و بی‌طرفانه، دادگاه‌های صادرکننده رای به «اعترافات» گرفته شده تحت شکنجه اساساً اتکا کرده‌اند. از شهریور ماه ۱۳۹۹، مقامات در حال ارتکاب دور تازه‌ای از شکنجه و سایر رفتارهای بیرحمانه، ضدانسانی و ترذیلی علیه برادران وحید افکاری و حبیب افکاری بوده‌اند. به نظر می‌رسد که این اقدامات در تلاقی اعتراض آن‌ها در شهریور ۱۳۹۹ به ناپدیدسازی قهری برادرشان نوید افکاری بوده است؛ نوید افکاری در تاریخ ۲۲ شهریور ۱۳۹۹ به صورت مخفیانه اعدام شد. از آن زمان، وحید افکاری و حبیب افکاری یا جداگانه و یا در کنار هم در سلول‌های انفرادی بدون پنجره محبوس بوده‌اند و از هر گونه تماس معنادار با سایر زندانیان و دسترسی به مراقبت‌های پزشکی مناسب، هوای تازه، تماس‌های تلفنی و ملاقات‌های حضوری با خانواده‌شان محروم شده‌اند.

سازمان عفو بین‌الملل درخواست قبلی‌اش برای آزادی وحید افکاری و حبیب افکاری را تکرار می‌کند چرا که بازداشت آن‌ها مصداق بازداشت بی‌ضابطه است. این سازمان هم‌چنین تاکید می‌کند که تا زمان آزادی، آن‌ها باید در شرایطی منطبق با استانداردهای بین‌المللی رفتار و مراقبت از زندانیان نگهداری شوند که شامل دسترسی به امکانات درمانی مناسب و ارتباط با خانواده‌هایشان می‌شود. افرادی که به نحو مستدل مظنون به دست داشتن در شکنجه وحید افکاری و حبیب افکاری‌اند باید مورد تحقیقات کیفری قرار بگیرند و اگر شواهد کافی علیه آن‌ها پیدا شد، باید به صورت منصفانه محاکمه شوند. این شامل مأموران اداره آگاهی، مأموران وزارت اطلاعات، مسئولان زندان عادل‌آباد و بازپرس‌های شعبه‌های ۸ و ۱۰ بازپرسی دادرسی ویژه امور جنایی و جرایم امنیتی شهرستان شیراز می‌شود.

عفو بین‌الملل یادآور می‌شود که بی‌عدالتی عظیمی که برادران افکاری قربانی آن شده‌اند نمایانگر اپیدمی مزمن و فراگیر شکنجه در ایران است که منجر به اعمال انواع شیوه‌های شکنجه علیه بازداشت‌شدگان و زندانیان، از جمله بازداشت‌شدگان مرتبط با اعتراضات آبان ۱۳۹۸، شده است. ضرب و شتم، شلاق، شوک الکتریکی، آویزان کردن، اجبار به نشستن یا ایستادن در وضعیت‌های دردناک، اعدام‌های مصنوعی، القای حس خفگی با آب، خشونت جنسی، تجویز اجباری

مواد شیمیایی و منع دسترسی به مراقبت‌های پزشکی از جمله شیوه‌های ثبت شده شکنجه در ایران بوده‌اند. افراد مظنون به شکنجه و سایر رفتارهای بیرحمانه، غیرانسانی و ترذیلی تقریباً هیچ‌گاه مورد تحقیق قرار نمی‌گیرند، چه رسد به این که پاسخگو شده و تحت مجازات قرار بگیرند. با توجه به سلطه‌ی مصونیت سیستماتیک در ایران برای استفاده‌ی گسترده از شکنجه و سایر جرائم جدی بین‌المللی، از جمله کشتار معترضان آبان ۱۳۹۸ و جنایات علیه بشریت پیشین و ادامه‌دار مربوط به کشتارهای تابستان سال ۱۳۶۷، سازمان عفو بین‌الملل درخواست خود را از کشورهای عضو شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد برای ایجاد سازوکاری مستقل با هدف دادخواهی و تضمین پاسخگویی تکرار می‌کند.

روشن‌شناسی

برای تدوین این گزارش، علاوه بر مصاحبه‌های دقیق با منابع آگاه، عفو بین‌الملل اوراق پرونده‌ی رسمی وحید افکاری، حبیب افکاری و نوید افکاری را که شامل شهادت شاهدان، قرارهای دادستانی، احکام بدوی و احکام مراجع تجدیدنظر می‌شد را با دقت بررسی کرده است. سازمان عفو بین‌الملل هم‌چنین شکایات متعددی که وحید افکاری، حبیب افکاری و نوید افکاری تسلیم مقامات کرده‌اند، درخواست‌های تجدیدنظر، درخواست وکیل آن‌ها برای اعاده دادرسی، پرونده پزشکی آن‌ها و گزارشات پزشکی قانونی که زیر نظر قوه قضائیه فعالیت می‌کند را بررسی و تحلیل کرده است. عفو بین‌الملل هم‌چنین فایل صوتی ضبط شده در جریان جلسه‌ی محاکمه‌ی وحید افکاری و نوید افکاری در شعبه‌ی ۱ دادگاه کیفری یک استان فارس در ۲ مهر ۱۳۹۸ را تحلیل کرده است.

اعمال شکنجه در مرحله تحقیقات – وحید افکاری

وحید افکاری و نوید افکاری توسط هفت مأمور لباس شخصی مسلح از پلیس آگاهی در خانه‌شان در شیراز، در ۲۶ شهریور ۱۳۹۷ دستگیر شدند. دستگیری آن‌ها در پی شرکت‌شان در اعتراضاتی^۱ بود که در سراسر ایران از جمله در شیراز در دی‌ماه ۱۳۹۶ و مرداد ۱۳۹۷ رخ داده بود. وحید افکاری و وکلای او اعلان داشته‌اند که مشارکت او و برادرانش در اعتراضات، ماهیتی صلح‌آمیز داشته است.

به دنبال دستگیری در ۲۶ شهریور ۱۳۹۷، وحید افکاری به بازداشتگاهی که تحت نظر شعبه ۵ آگاهی شیراز اداره می‌شود منتقل و در یک سلول انفرادی با ابعاد دو متر در دو متر، بدون هیچ‌گونه دسترسی به دنیای بیرون، تا ۱ آبان ۱۳۹۷ نگهداری شد. مقامات سرنوشت او و محل نگهداری‌اش را به مدت ۱۲ روز از زمان بازداشت‌اش از خانواده او پنهان نگاه داشتند و به این شکل مرتکب «ناپدیدسازی قهری» شدند، امری که یک جرم بین‌المللی محسوب می‌شود.

وحید افکاری چه در شکایات کتبی خود و چه در دادگاه گفت که بین ۲۶ شهریور تا ۱ آبان ۱۳۹۷ برای دادن اقرار علیه خود و برادرانش بارها مورد شکنجه و سایر رفتارهای بیرحمانه، غیرانسانی و ترذیلی قرار گرفته است. این شکنجه و آزار شامل مشت زدن، لگد زدن و ضرب و شتم با چوب و کابل با چشمان بسته می‌شده است. وحید افکاری گفت که با هدف گرفتن «اعترافات» اجباری، او را هم‌چنین تحت انواع شکنجه‌های روانی قرار داده‌اند، از جمله تهدید به مرگ، استفاده مداوم از الفاظ اهانت‌آمیز و تحقیرآمیز، تجاوز به حریم خصوصی او با خواندن دفترچه خاطرات شخصی‌اش توسط بازجویان و اظهار نظرهای رکیک یا تمسخرآمیز بر اساس آن. بازجویان هم‌چنین تهدیدهایی مبنی بر زندانی کردن، کشتن یا آسیب رساندن به اعضای خانواده وی و آزار جنسی مادر و خواهرش، مطرح کرده‌اند. مقامات به بعضی از این تهدیدها جامه عمل پوشاندند و پدر و شوهرخواهر او را در ۷ مهر ۱۳۹۷ دستگیر کردند. پدر وحید افکاری چند ساعت پس از بازداشت با قرار وثیقه آزاد شد، در حالی که شوهرخواهرش به مدت دو روز در بازداشت باقی ماند تا این که او هم با قرار وثیقه آزاد شد.

^۱ شعارهایی که در این اعتراضات سر داده شدند بیانگر ترکیبی از نارضایتی‌های اقتصادی و سیاسی بود - از شکایت از فقر و بیکاری گسترده گرفته تا فساد و نابرابری تا مطالبات برای آزادی زندانیان سیاسی و رد صریح و کامل نظام جمهوری اسلامی.

وحید افکاری طی هفته‌های بعد از دستگیری‌اش، در اعتراض به مورد شکنجه قرار گرفتن دائمی برای «اعتراف» به این که او و برادرش نوید افکاری در فعالیت‌هایی دست داشته‌اند که او مرتباً انکار کرده، دوبار دست به اعتصاب غذا زد. بر اساس شکایتی که وی در تاریخ ۸ خرداد ۱۳۹۸ به دادستان انتظامی قضایی فرستاده، او اندکی پس از دستگیری به مدت یک هفته دست به اعتصاب غذا زده بوده است. او اعتصاب دوم خود را اندکی بعد در حدود ۱۴ مهر ۱۳۹۷ آغاز کرد (رجوع شود به عکس ۱.۱ در ضمیمه شماره ۱). طبق دو یادداشت رسمی موجود در پرونده، به تاریخ ۱۴ مهر ۱۳۹۷ و ۲۸ مهر ۱۳۹۷، نگهبانان زندان به مقامات ارشد زندان و بازرسان پرونده او گزارش دادند که وحید افکاری گفته که با اعتصاب غذا تلاش دارد تا دست به «خودکشی تدریجی» بزند و به این وسیله «بی‌گناهی»‌اش را مورد تأکید قرار داده و صدای خود را به گوش مقامات قضایی برساند (رجوع شود به ضمیمه شماره ۲).

در حدود ۲۹ مهر ۱۳۹۷ و در حالی که هنوز در اعتصاب غذا به سر می‌برد، وحید افکاری به زندان عادل‌آباد شیراز منتقل شد و در بدو ورود دوباره در سلول انفرادی قرار گرفت. سلول وی در بخشی واقع شده بوده که معروف به بند «عبرت» است، بندی که تحت نظارت نهادهای امنیتی و اطلاعاتی قرار دارد و به دلیل شرایط بیرحمانه و غیرانسانی‌اش شهرت دارد. به گفته زندانیان سابق، زندانیانی که در این بند نگهداری می‌شوند از دنیای خارج جدا شده و از ملاقات حضوری با خانواده، تماس تلفنی، هوای تازه و نور طبیعی محروم هستند. در بهترین حالت، آنها اجازه پیدا می‌کنند که به صورت نامنظم با اعضای خانواده‌شان ملاقات‌های از پشت شیشه داشته‌اند. شکایات رایج دیگر شامل عدم وجود تهویه مناسب و امکانات گرمایشی و سرمایشی، دیوارها و کف‌های کثیف، عدم دسترسی منظم به حمام، سطح بالا و ناسالم رطوبت و کپک‌زدگی است. گزارشات متعددی از این بند مبنی بر رواج خشونت جسمی توسط زندانبانان علیه زندانیان و همچنین گشنگی و تشنگی دادن زندانیان وجود دارد.

در ۴ آبان ۱۳۹۷، وحید افکاری در حالی که هنوز در اعتصاب غذا بود با تکه شیشه‌ی به‌دست‌آمده از شکستن یک لیوان آب که زندانبانان در سلول جا گذاشته بودند، در اقدام به خودکشی کردن خود را برید. وی سپس به صورت اورژانسی به بیمارستان نمازی شیراز منتقل شد و تحت عمل جراحی قرار گرفت. سوابق پزشکی بررسی شده توسط عفو بین‌الملل نشان می‌دهد که دو روز بعد، در ۶ آبان ۱۳۹۷، برخلاف توصیه‌های پزشکی، درمان وی متوقف و او به زندان عادل‌آباد بازگردانده شد.

وحید افکاری در شکایتی مورخ ۸ خرداد ۱۳۹۸ به دادستان انتظامی قضات نوشت که به دنبال قطع درمان و بازگشت به زندان عادل‌آباد، زخم‌های جراحی وی بارها عفونی شده‌اند که به گفته او نتیجه نماناک بودن سلول و عدم دسترسی وی به مراقبت‌های بعد از عمل بوده است (رجوع شود به عکس ۱.۱ در ضمیمه شماره یک).

وحید افکاری به مدت حدود دو هفته در بند «عبرت» محبوس بود تا این که به یکی از سلول‌های انفرادی زندان عادل‌آباد با نام «سوئیت‌های قضایی» یا «ارشاد» منتقل شد، جایی که او حدود ۸۰ روز دیگر را در سلول انفرادی و در شرایط نامناسب و بدون دسترسی به مراقبت‌های پزشکی سپری کرد.

در آذر ۱۳۹۷، وحید افکاری از زندان عادل‌آباد به بازداشتگاه وزارت اطلاعات در شیراز موسوم به «پلاک ۱۰۰» منتقل شد و بیش از یک هفته در آنجا بدون امکان ارتباط با جهان بیرون در سلولی انفرادی نگهداری شد. طبق شکایات نوشته شده توسط وحید افکاری از داخل زندان، در این مدت وی دوباره تحت شکنجه‌های جسمی و روحی و سایر بدرفتاری‌ها قرار گرفت تا علیه خودش و برادرش نوید افکاری «اعتراف» کند. وحید افکاری در شکایت‌های خود توصیف می‌کند که این بار تحمل شکنجه، به ویژه تهدید به کشتن یا آسیب‌رساندن به اعضای خانواده‌اش، و رای تحمل بوده و او را مجبور به بیان اظهارات مجرم‌انگارانه علیه خود و نوید افکاری کرده است.

وحید افکاری در بهمن ۱۳۹۷ به زندان عادل آباد بازگردانده شد. در ساعات اولیه ۱۳ فروردین ۱۳۹۸، وحید افکاری بار دیگر اقدام به خودکشی کرد، این بار از طریق مصرف بیش از حد قرص‌های خواب آور. وی به صورت اورژانسی در بیمارستان نمازی شیراز بستری شد و به مدت یک روز بیهوش بود. وقتی به هوش آمد، خودش را زنجیر شده به تخت یافت. به گفته یک منبع آگاه، نیروهای امنیتی مکرراً از باز کردن دستبند و پابند و دادن اجازه دسترسی به توالت خودداری کردند. این امر او را مجبور می‌کرد که ادرار خود را نگه دارد که منجر به درد مثانه و کلیه شده و حداقل در یک مورد، مجبور شده در خودش ادرار کند.

بر اساس یک یادداشت پزشکی که توسط عفو بین‌الملل مشاهده شده، نیروهای امنیتی چند روز پس از بستری شدن وحید افکاری با وجود هشدارهای صریح پزشکان مبنی بر این که وی با خطر جدی کاهش سطح هوشیاری و کمبود اکسیژن که می‌تواند منجر به ایست قلبی و مرگ شود روبروست او را پیش از موعد به زندان برگرداندند.

مقامات بیمارستان این هشدارها را در یادداشتی مستند کرده‌اند و بیان داشته‌اند «مسئولیت عواقب و حتی مرگ بیمار به عهده نیروهای انتظامی است». در پایین این یادداشت، جمله‌ای دست‌نویس توسط وحید افکاری نوشته و با انگشت مهر شده است که می‌گوید «اینجانب، وحید افکاری، فرزند حسین، در صحت و سلامت عقلی کامل رضایت می‌دهم که از بیمارستان نمازی ترخیص شوم و کلیه عواقب آن به عهده‌ی خودم باشد» (رجوع شود به ضمیمه شماره ۳). یک منبع آگاه به عفو بین‌الملل گفت که وحید افکاری مجبور شده بوده که این اظهارنامه را به اجبار امضاء کند.

به دنبال بازگردانده شدن به زندان عادل آباد، وحید افکاری به مدت دو هفته، بدون دسترسی به مراقبت‌های پزشکی جسمی و روانی مورد نیاز، در یکی از سلول‌های انفرادی واقع در بند «ارشاد» قرار داده شد. او در شکایتی در ۸ خرداد ۱۳۹۸ به دادستان انتظامی قضات نوشت که به محض ورود به این بخش، مسئولان زندانیان را برهنه می‌کنند و مجبورشان می‌کنند یک دست لباس کثیف، پاره و مملو از لکه‌های خون به تن کنند. او همچنین نوشت که در این بخش زندانیان به پتو و وسایل گرمایشی دسترسی ندارند و اگر شکایت کنند، مقامات آن‌ها را دست‌بند و پابند زده و مورد ضرب و شتم قرار می‌دهند (رجوع شود به عکس‌های ۱.۲ و ۱.۳ در ضمیمه شماره ۱). در این مدت، وحید افکاری چندبار با چشمان بسته برای بازجویی به دفتر بازپرسی دادسرای ویژه امور جنایی و جرایم امنیتی شهرستان شیراز برده شد (رجوع شود به عکس ۱.۳ در ضمیمه شماره ۱). متعاقباً، او به یکی از بندهای عمومی زندان عادل آباد منتقل شد.

به گزارش یک منبع آگاه، به مدت دومه بعد از اقدام به خودکشی، مقامات، وحید افکاری را از ملاقات با خانواده‌اش منع کردند و به خانواده‌ی نگران و مضطربش گفتند که فرزندشان باید برای اقدام به خودکشی «تنبیه» شود.

در ۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۸، مرحله تحقیقات علیه وحید افکاری به پایان رسید و شعبه ۱۰ بازپرسی دادسرای ویژه امور جنایی و جرایم امنیتی شهرستان شیراز با صدور یک قرار نهایی رسماً او را به چندین جرم مرتبط با «امنیت ملی» متهم کرد. پیش از این تاریخ، شعبه ۸ بازپرسی دادسرای ویژه امور جنایی و جرایم امنیتی شهرستان شیراز نیز در ۲ اسفند ۱۳۹۷ با صدور یک قرار نهایی دیگر، وحید افکاری را به «معاونت در قتل» متهم کرد. در هر دو پرونده، اتهامات اساساً با اتکا به «اعترافات» اخذ شده توسط شکنجه مطرح شدند.

اعمال شکنجه در مرحله تحقیقات – حبیب افکاری

حبیب افکاری پس از ماه‌ها مراجعه به نهادهای مختلف حکومتی از جمله آگاهی، دفتر دادستانی و دادگاه‌های شیراز جهت کسب اطلاعات در مورد دلایل دستگیری برادرانش و محل بازداشت و وضعیت پرونده آنان، در ۲۲ آذر ۱۳۹۷ توسط مأموران لباس شخصی وزارت اطلاعات در شیراز دستگیر شد. پیش از دستگیری، او بارها به این تهدید شده بود که در صورت عدم توقف پیگیری‌هایش، دستگیر خواهد شد.

متعاقب دستگیری، به او چشم‌بند زده شد و به مکان نامعلومی که بعدتر دریافت بازداشتگاه وزارت اطلاعات در شیراز موسوم به «پلاک ۱۰۰» بوده منتقل گردید. او به مدت ۳۵ روز بدون هیچ‌گونه تماسی با جهان بیرون در حبس انفرادی قرار داده شد و مقامات سرنوشت و محل نگهداری او را مخفی نگه داشتند و بدین صورت وی را تحت «ناپدیدسازی قهری» قرار دادند که مطابق قوانین بین‌المللی یک جرم محسوب می‌شود. در یک اظهارنامه کتبی که در حضور سربازپرس شعبه ۱۰ بازپرسی دادسرای ویژه امور جنایی و جرایم امنیتی شهرستان شیراز در ۷ مرداد ماه ۱۳۹۸ تهیه شده، حبیب افکاری نوشته است که به محض ورود به بازداشتگاه مورد ضربات مشت و لگد، ضرب و شتم و فحاشی قرار گرفته است و هنگامی که از عوامل وزارت اطلاعات پرسیده است که او را کجا آورده‌اند آنها گفته‌اند: «اینجا جایی است که بیضه‌هاتو می‌کشیم، جایه که خروس توش تخم می‌زاره». در همین اظهارنامه، حبیب افکاری گزارش داده است که سلول انفرادی‌اش بوی تعفن می‌داد زیرا فضلاب دستشویی که داخل اتاق بوده بالا می‌زده است. او افزوده است که یک لامپ ۲۴ ساعته در اتاق روشن بود به شکلی که «روح و روانت را به بازی می‌گیرد» (رجوع شود به ضمیمه شماره ۴).

در اظهارنامه ارائه شده به بازپرس شعبه ۱۰ بازپرسی دادسرای ویژه امور جنایی و جرایم امنیتی شهرستان شیراز در ۷ مرداد ۱۳۹۸ و همچنین شکایت‌نامه پیشینی که در اردیبهشت ۱۳۹۸ به دادستان شیراز تسلیم شده بود، حبیب افکاری نوشته است که در فاصله بین ۲۲ آذر تا ۲۷ دی ۱۳۹۷، بازجویان وزارت اطلاعات او را مکرراً تحت شکنجه و سایر رفتارهای بی‌رحمانه، غیرانسانی و ترذیلی قرار دادند تا مجبورش کنند یک سری اظهارات مجرم‌انگارانه علیه خود و برادرانش، نوید و وحید افکاری بنویسد. او اشاره کرده است که در ابتدا مقاومت کرده است، اما به مرور زمان بر شدت شکنجه اضافه می‌شد تا این که به مرحله‌ای رسید که دیگر نمی‌توانست بیش از این شکنجه را تحمل کند و حس می‌کرد که در حال مرگ است. بر اساس شکایت مکتوب حبیب افکاری از داخل زندان و نیز منبع آگاهی که عفو بین‌الملل با او مصاحبه کرده، در اثر شکنجه‌ها، کتف چپ حبیب افکاری دررفت که به پارگی تاندون‌ها انجامیده و مچ دست چپ و یکی از انگشتان پای راست او نیز دچار شکستگی شد (رجوع شود به عکس‌های ۵.۳ و ۵.۴ در ضمیمه شماره ۵). یک گواهی پزشکی رسمی صادر شده در تاریخ ۸ آبان ۱۳۹۸ این صدمات را تصدیق می‌کند (رجوع شود به ضمیمه شماره ۶).

در هر دوی این شکایات، حبیب افکاری نوشته است که مأموران اطلاعات او را در حالی که چشم‌بند به چشم داشت برای چند روز پشت سر هم به صندلی‌ای که به دیوار ثابت شده بود زنجیر و روی سر و صورت او پلاستیک می‌کشیدند به نحوی که جلوی نفس‌کشیدنش را می‌گرفت و او را دچار حس خفگی می‌کرد. او نوشته است که یکی از مأموران حاضر به او می‌گفت: «هر وقت تصمیم گرفتی بنویسی بگو تا پلاستیک را بردارم» (رجوع شود به عکس‌های ۵.۲ و ۵.۳ در ضمیمه شماره ۵).

این روایت توسط شکایت جداگانه‌ای تأیید می‌شود که توسط نوید افکاری، برادر حبیب، خطاب به رئیس دادگاه کیفری دو شیراز در تاریخ ۳۰ دی ۱۳۹۸ نوشته شده است. در این شکایت نوید افکاری نوشته است که در دی ماه ۱۳۹۷، هنگامی که در پلاک ۱۰۰ نگهداری می‌شد، او را به اتاقی بردند و برادرش حبیب را به او نشان دادند که دست‌ها و پاهایش به یک صندلی و دیوار قفل شده بود و پلاستیک روی سر و صورتش کشیده بودند. نوید افکاری نوشت: «به محض دیدن این صحنه، شروع به داد و فریاد و التماس کردم. قصد داشتم با کوبیدن سر خودم به دیوار، خودشکی کنم» (رجوع شود به عکس‌های ۷.۱ و ۷.۲ در ضمیمه شماره ۷).

در همان شکایت‌نامه، نوید افکاری می‌نویسد که در اوایل دی ۱۳۹۷ هم مأموران اطلاعات او را به یک اتاق بردند و چشم‌بندش را برداشتند و او حبیب افکاری را دید که با دست و پای بسته روی یک صندلی نشسته و به شدت با مشت‌ولگد وی را ضرب و شتم می‌کردند و همینطور مورد فحاشی‌های «ناموسی» قرار می‌دادند (رجوع شود به عکس ۷.۱ در ضمیمه شماره ۱).

در شکایات کتبی ارسال شده به بازپرس شعبه ۱۰ بازپرسی دادسرای ویژه امور جنایی و جرایم امنیتی شهرستان شیراز و دادستان شیراز، حبیب افکاری همچنین نوشته است که یک شب، مأمورین اطلاعات دستانش را از پشت بستند، او را به روی زمین انداختند و دستانش را چنان به شدت بالا کشیدند که کتف چپش از جا درآمد. حبیب افکاری اظهار داشته که پس از این واقعه، او شنید که یکی از شکنجه‌گزارانش گفت: «سید، فکر کنم کتفش شکست» و شکنجه‌گر دیگر پاسخ داد: «مهم نیست. اگر بخواهد به لج‌بازی ادامه بده، بیضه‌هایش را هم می‌ترکانم.» حبیب افکاری نوشته که او از شدت درد حدود ۱۵ دقیقه فریاد می‌کشید تا این که یک نفر سر رسیده، دستهایش را باز کرده و «بی‌رحمانه» دستش را «چرخانده» تا کتفش را جا بباندازد و درد حاصل از این کار چنان شدید بود که او حس کرده که فشار خوش‌پایین افتاده و تقریباً از هوش رفته بود. او افزوده است که بلافاصله پس از آن، یکی از مأمورین او را روی یک صندلی نشانده و در حالی که با فریاد به او دشنام‌های رکیک می‌داد به او گفت: «هیچ راهی نداری جز این که هر چه می‌گویم بنویسی.» حبیب افکاری نوشته است «از آن به بعد دیگر مغزم باری نمی‌کرد و توان فکر کردن نداشتم. تقریباً هر آنچه دیکته می‌کردند بالاچار می‌نوشتیم» (رجوع شود به عکس‌های ۵.۳ و ۵.۴ در ضمیمه شماره ۵).

اضافه بر شکنجه‌های پیش‌تر توصیف شده، حبیب افکاری همچنین با عدم دسترسی عامدانه به خدمات پزشکی نیز مورد شکنجه واقع شده است. او گزارش داده که در دوره بازداشت، از دندان‌دردهای شدید رنج می‌برد، اما مسؤولان از دادن مسکن به او امتناع کردند و در نتیجه این امر، او از شدت درد فریاد می‌کشید و سرش را به دیوار می‌کوبید. او اشاره کرده که در پاسخ به تقاضاهای متعدد او برای دیدن پزشک، مأموران در حالی که او را مورد تمسخر و ناسزا قرار می‌دادند به او می‌گفتند: «هر وقت سقط شدی، می‌بریمت دکتر، ولی نه الان» (رجوع شود به عکس ۵.۲ در ضمیمه شماره ۵).

در دو اظهارنامه مجزا که در روزهای ۵ و ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۸ به ترتیب تسلیم بازپرس‌های شعبه‌های ۸ و ۱۰ بازپرسی دادسرای ویژه امور جنایی و جرایم امنیتی شهرستان شیراز شد، حبیب افکاری نوشته که او همچنین در اثر شکنجه دچار سردرد و حملات تشنجی شده بود و از دسترسی به خدمات پزشکی محروم شده بود. کوبیدن با ضربات مشت به سینه و نزدیک قلب‌اش از جمله دیگر شکنجه‌هایی است که او در این اسناد به آن‌ها اشاره کرده است (رجوع شود به ضمیمه شماره ۸ و عکس ۹.۱ در ضمیمه شماره ۹). در شکایت مورخ ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۸، حبیب افکاری همچنین گزارش داده است که مأمورین وزارت اطلاعات مکرراً به او گفته‌اند که «اینجا اطلاعات است و هیچ‌گونه نظارتی نیست به گونه‌ای که مراجع قضایی هم زیر نظر ماست» و «از ما هر کاری بر می‌آید» (رجوع شود به عکس ۹.۲ در ضمیمه شماره ۹).

حبیب افکاری در تمامی شکایت‌نامه‌های خود ذکر کرده که تحت انواع مختلف شکنجه‌های روانی نیز قرار گرفته است. بازجوها بارها او را در سلول‌هایی نگه داشته‌اند که در آن‌ها صدای فریاد برادرش نوید افکاری از درد به گوش او می‌رسیده و به او می‌گفتند: «اگر نوید زیر این شکنجه‌ها بمیرد، مقصرش تویی» و این طور القا می‌کردند که اگر او علیه خود و برادرهایش مطالبی که بازجویان می‌خواستند را بنویسد آنان شکنجه نوید افکاری را متوقف خواهند کرد (رجوع شود به عکس ۵.۱ در ضمیمه شماره ۵). بازجویان همچنین تهدید می‌کردند که اگر او «اعتراف» نکند، آنان برادران، مادر، همسر و یا خواهر برادرش را خواهند کشت و یا به آن‌ها آسیب خواهند رساند. حبیب افکاری نوشته که این تهدیدات موجب آشفتگی روانی شدید او شده و «جنون» به سراغش آمده بود (رجوع شود به ضمیمه ۸ و عکس ۹.۱ در ضمیمه ۹).

حبیب افکاری در ۲۷ دی ۱۳۹۷ از پلاک ۱۰۰ به زندان عادل‌آباد انتقال یافت و در یکی از بندهای عمومی زندان قرار داده شد که محل نگهداری زندانیان عقیدتی و سایر کسانی است که به دلایل سیاسی زندانی شده‌اند.

محکومیت بر اساس «اعترافات» تحت شکنجه

وحید افکاری از بابت سه پرونده جداگانه تحت محاکمه‌های به شدت ناعادلانه قرار گرفته است و با ۶ عنوان اتهامی مختلف، در مجموع به ۳۳ سال و نه ماه حبس، دو سال «اقامت اجباری» در اردبیل و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شده است. جزئیات این حکم از این قرار است:

- ۲۵ سال حبس از بابت اتهام «معاونت در قتل». رای بدوی توسط شعبه ۱ دادگاه کیفری یک استان فارس در ۲۳ مهر ۱۳۹۸ صادر شده و توسط شعبه ۳۹ دیوان عالی کشور در ۶ اردیبهشت ۱۳۹۹ تایید شده است.
 - یک سال و ۹ ماه حبس و ۴ ضربه شلاق برای (۱) «اخلال در نظم عمومی» (۷ ماه و نیم حبس و ۷۴ ضربه شلاق)، (۲) «توهین نسبت به مأموران دولت حین انجام وظیفه» (۶ ماه)، و (۳) «تمرد نسبت به مأموران دولت حین انجام وظیفه» (۷ ماه و نیم حبس). در خصوص این اتهامات، حکم بدوی صادره توسط شعبه ۱۱۶ دادگاه کیفری دو شیراز در ۲ مرداد ۱۳۹۸، چهار سال و شش ماه حبس بود ولی این حکم توسط شعبه ۲۷ دادگاه تجدیدنظر استان فارس در ۲۰ بهمن ۱۳۹۹ کاهش یافت.
 - هفت سال حبس به علاوه دو سال «اقامت اجباری» در اردبیل برای (۱) اقدامات مجرمانه‌ی مادون «افساد فی الارض» مطابق تبصره ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۲۹۲ (پنج سال حبس و اقامت اجباری) و «توهین به مقام رهبری» (دو سال حبس). حکم بدوی توسط شعبه ۲ دادگاه انقلاب شیراز در ۴ دی ۱۳۹۹ صادر شد و توسط شعبه ۳۹ دیوان عالی کشور در ۵ اسفند ۱۳۹۹ تایید شد.
- پنج مورد از شش اتهامی که وحید افکاری به ارتکاب آن‌ها محکوم شناخته شده اتهامات مبهم و بسیار گسترده مرتبط با «امنیت ملی» هستند. اینها اتهاماتی نیستند که در سطح بین‌المللی به رسمیت شناخته شده باشند و همواره توسط مقامات ایران مورد استفاده قرار گرفته‌اند تا به کارگیری حقوق آزادی بیان، تشکل و تجمع مسالمت‌آمیز در ایران را جرم‌انگاری کنند. برخی از فعالیت‌های اتهامی مورد اشاره در پرونده دادستانی علیه وحید افکاری دربرگیرنده اقدامات مسالمت‌آمیزی همچون مشارکت «مکرر» و شعاردادن در اعتراضاتی که توسط مقامات «غیرقانونی» توصیف شده و شعارنویسی بر روی دیوارها بود. سایر فعالیت‌های ذکر شده عبارت بود از گفتگوهایی که به ادعای مقامات میان برادران در مقاطع مختلف در ۱۳۹۷ برای انجام تحریک و حملات احتمالی با هدف مبارزه با نظام جمهوری اسلامی صورت گرفته بوده اما هیچ‌گاه به مرحله عمل درنیامد. مقامات هیچ مدرکی در ارتباط با این موضوع ارائه نداشتند و صرفاً بر «اعترافات» تحت شکنجه متهمان تکیه کردند.

در پرونده وحید افکاری تنها اتهامی که یک جرم به رسمیت شناخته شده در سطح جهانی به شمار می‌آید «معاونت در قتل» است. این اتهام در رابطه با قتل یک مأمور اطلاعاتی در تاریخ ۱۱ مرداد ۱۳۹۷ بر اثر زدن ضربات مهلک چاقو مطرح شده است، با این ادعا که این عمل در انتقام از نقش این مأمور در سرکوب

^۲ بر اساس ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، «هرکس به طور گسترده، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اخلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آنها گردد به گونه ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌گردد» تبصره این ماده مقرر می‌کند که «هرگاه دادگاه از مجموع ادله و شواهد قصد اخلال گسترده در نظم عمومی، ایجاد ناامنی، ایراد خسارت عمده و یا اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع و یا علم به موثر بودن اقدامات انجام شده را احراز نکند و جرم ارتكابی مشمول مجازات قانونی دیگری نباشد، با توجه به میزان نتایج زیانبار جرم، مرتکب به حبس تعزیری درجه پنج یا شش محکوم می‌شود.» بر اساس ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی، مجازات‌های تعزیری درجه پنج، حبس بیش از دو تا پنج سال و مجازات‌های تعزیری درجه شش، حبس بیش از شش ماه تا دو سال است.

اعتراضات در شیراز در همان روز بوده است تحقیقات عفو بین‌الملل نشان می‌دهد که مسؤولین دادستانی نتوانسته‌اند دلیل باورپذیر و معتبری برای اثبات این اتهام ارائه دهند و وحید افکاری اساساً بر مبنای «اعترافات» تحت شکنجه‌ای که از او و برادرش نوید افکاری اخذ گردید محکوم شناخته شد (رجوع شود به بخش‌های ذیل).

حبیب افکاری از بابت دو پرونده جداگانه تحت محاکمه‌های به شدت ناعادلانه قرار گرفته است و با ۸ عنوان اتهامی مختلف، در مجموع به ۱۵ سال و ۸ ماه حبس، ۷۴ ضربه شلاق و جریمه نقدی محکوم شده است. جزئیات این حکم از این قرار است:

- هفت سال و ۸ حبس و ۷۴ ضربه شلاق برای (۱) «تبانی و اجتماع جهت ارتکاب جرم علیه نفوس و اموال مردم و تدارک مقدمات اجرایی» (۴ سال)، (۲) «تمرد نسبت به مأموران دولت حین انجام وظیفه» (۲ سال و ۴ ماه حبس)، (۳) «اخلال در نظم عمومی» (۸ ماه حبس و ۷۴ ضربه شلاق)، (۴) دو فقره ایراد جرم عمدی با شیء برنده» (۸ ماه حبس)، (۵) «توهین نسبت به مأموران دولت حین انجام وظیفه» (جریمه نقدی). در خصوص این اتهامات، حکم بدوی صادره توسط شعبه ۱۱۶ دادگاه کیفری دو شیراز در ۲ مرداد ۱۳۹۸، ۱۶ سال و یک ماه حبس بود ولی این حکم توسط شعبه ۲۷ دادگاه تجدیدنظر استان فارس در ۲۰ بهمن ۱۳۹۹ کاهش یافت.

- هشت سال حبس برای (۱) «عضویت در دسته و گروه معاند نظام با قصد برهم زدن امنیت کشور» (۵ سال)، «توهین به مقام رهبری» (دو سال حبس) و (۳) «تبلیغ علیه نظام» (یک سال). حکم بدوی توسط شعبه ۱ دادگاه انقلاب شیراز در ۳۱ خرداد ۱۳۹۹ صادر شد و توسط دیوان عالی کشور در اسفند ۱۳۹۹ تایید شد.

هم‌چون پرونده وحید افکاری، هفت مورد از هشت مورد اتهامی که حبیب افکاری به آن‌ها محکوم شده اتهامات مبهم و کلی مربوط به «امنیت ملی» هستند. تنها اتهامی که یک جرم به رسمیت شناخته شده در سطح جهانی به شمار می‌آید اتهام «ایراد جرم عمدی با شیء برنده» است که منجر به هشت ماه زندان شده است. تحقیقات عفو بین‌الملل نشان می‌دهد که مسئولان دادستانی نتوانسته‌اند هیچ مدرک معتبری برای اثبات این اتهام ارائه دهند و صدور حکم بر اساس «اعترافات» تحت شکنجه حبیب افکاری صورت گرفته است.

۱. درخواست عدم استناد به «اعترافات» تحت شکنجه در مرحله تحقیقات

براساس اطلاعات ثبت شده در پرونده، نوید افکاری و وحید افکاری به طور جداگانه در ۴ اردیبهشت ۱۳۹۸ یعنی - هفت ماه پس از دستگیری - نزد بازپرس شعبه ۱۰ بازپرسی دادسرای ویژه امور جنایی و جرایم امنیتی شهرستان شیراز آورده شدند تا به طور رسمی و شفافاً و کتباً به اتهامات مطرح علیه‌شان پاسخ گویند. در این زمان، اتهامات هنوز به صورت رسمی و کتبی به آن‌ها ابلاغ نشده بود. در آنجا، آن‌ها به ثبت رسیده، نوید افکاری «اعترافات» اش را پس گرفت و با خط خود نوشت: «هر آن‌چه که در اداره آگاهی و [وزارت] اطلاعات تحت تهدیدها و فشارها و شکنجه‌های مکرر روحی روانی و جسمی نوشته و یا بازگو کرده‌ام تماماً اتهاماتی واهی، بی‌پایه و اساس و کذبیات محض می‌باشند» (رجوع شود به ضمیمه شماره ۱۰).

به همین ترتیب، وحید افکاری هم اعترافات اجباری خود را پس گرفت و کتباً اظهار داشت: «تمام اقرارهایی که در این مدت در پلیس آگاهی و اطلاعات از بنده اخذ شده تماماً تحت فشار بوده و صرفاً مطالبی را که مأمورین مربوطه به بنده دیکته کرده‌اند را نوشته‌ام ولی هم اکنون که در شرایط مساعد و دور از فشارهای روحی و جسمی هستم این مطالب را کاملاً رد می‌کنم» (رجوع شود به عکس ۱۱.۱ در ضمیمه شماره ۱۱). وحید افکاری علاوه بر این اظهار داشته

است: «تهدید شدم که اگر اعتراف نکنی، مادرت را بازداشت می‌کنیم و اینکه دیگر دو برادرت را نخواهی دید که باعث اقدام به خودکشی اینجانب شده است» (رجوع شود به عکس ۱۱.۲ در ضمیمه شماره ۱۱).

اطلاعات ثبت شده در پرونده نشان می‌دهد که حبیب افکاری نیز در تاریخ ۵ اردیبهشت ۱۳۹۸، «اعترافات» خود را به طور رسمی در مقابل بازپرس شعبه ۱۰ بازپرسی دادسرای ویژه امور جنایی و جرایم امنیتی شهرستان شیراز پس گرفت و به صورت مکتوب عنوان کرد که آنها از طریق شکنجه و در دوره نگهداری وی در سلول‌های انفرادی بازداشتگاه وزارت اطلاعات، موسوم به پلاک ۱۰۰، و قطع ارتباط وی با جهان بیرون به دست آمده‌اند (رجوع شود به ضمیمه ۱۲). در فاصله فروردین تا دی ماه ۱۳۹۸، وحید، حبیب و نوید افکاری از داخل زندان به مقامات دادستانی مختلفی شکایت‌نامه نوشتند و شکنجه‌هایی را که طی دوران بازجویی به منظور کسب «اعتراف» توسط مأمورین آگاهی و عوامل اطلاعاتی بر آنان اعمال شده بود شرح دادند و خواستار این شدند که کسانی که مظنون به داشتن مسؤولیت کیفری در این مورد بودند، از جمله بازپرس شعبه ۸ بازپرسی دادسرای ویژه امور جنایی و جرایم امنیتی شهرستان شیراز، مورد تحقیق قرار گیرند و به دست عدالت سپرده شوند. تمامی این شکایات بدون انجام تحقیقات مؤثر، مستقل و غیرجانبدارانه رد شدند (رجوع شود به بخش‌های ذیل).

۲. در خواست عدم استناد به «اعترافات» تحت شکنجه در مرحله محاکمه

نوید افکاری و وحید افکاری به شعبه ۱ دادگاه کیفری یک استان فارس اعلام کردند که برای دادن «اعتراف» تحت شکنجه قرار گرفته‌اند. آن‌ها این موضوع را هم به صورت شفاهی در جریان جلسات روزهای ۱۲ مرداد و ۲ مهر ۱۳۹۸ اعلام کردند و هم به صورت کتبی از طریق عریضه‌ای که در تاریخ ۲۲ مرداد ۱۳۹۸ به دادگاه کیفری یک استان فارس ارائه دادند. در هر مرتبه، آن‌ها از دادگاه خواستند که «اعترافات» تحت شکنجه آن‌ها را کنار بگذارد و دستور انجام تحقیقات مستقل و غیرجانبدارانه را صادر کند.

در این عریضه، نوید افکاری نوشته است که او در برابر بازپرس‌های شعبه‌های ۸ و ۱۰ بازپرسی دادسرای ویژه امور جنایی و جرایم امنیتی شهرستان شیراز مکرراً اتهامات وارده علیه او و برادرش را انکار و به آنان شکایت کرده بود که توسط مأمورین آگاهی و عوامل وزارت اطلاعات به منظور به زبان آوردن اظهاراتی که باعث محکوم شدن او و برادرش شود مورد شکنجه قرار گرفته بود (رجوع شود به عکس ۱۳.۲ در ضمیمه شماره ۱۳). او گزارش داد که نه تنها شکایاتش عامدانه توسط بازپرسان نادیده گرفته شده، بلکه در حداقل دو مورد در مهر ۱۳۹۷ و آذر ۱۳۹۷، بازپرس شعبه ۸ بازپرسی دادسرای ویژه امور جنایی و جرایم امنیتی شهرستان شیراز به مکان نگهداری او (به ترتیب زمانی، بازداشتگاه تحت اداره شعبه ۵ آگاهی و وزارت اطلاعات) آمده و علناً دستور شکنجه او را صادر کرده تا او مطالبی که توسط سربازپرس به او دیکته شده بود را در «اعترافات» خود بنویسد (رجوع کنید به عکس‌های ۱۳.۳ و ۱۳.۴ در ضمیمه شماره ۱۳).

در عریضه ۲۲ مرداد ۱۳۹۸، نوید افکاری همچنین از این شکایت کرده که در طی نخستین جلسه دادگاه در ۱۲ مرداد ۱۳۹۸، قاضی دادگاه را از این آگاه ساخته که تحت شکنجه وادار به «اعتراف» شده است و او را به دو گزارش پزشکی در این رابطه ارجاع داده است، اما قاضی از صدور دستور تحقیق سرباز زده و به او گفته است «شاید در زندان یا بازداشتگاه، به دلیل دیگری آسیب دیده‌ای» (رجوع شود به عکس‌های ۱۳.۱ و ۱۳.۲ در ضمیمه شماره ۱۳). یکی از دو گزارش پزشکی که توسط یکی از پزشکان زندان تهیه شده و تاریخ ۲۶ شهریور ۱۳۹۷ را بر خود دارد، مؤید این است که او در زمان دستگیری از سلامت کامل برخوردار بوده‌است. گزارش دیگر که توسط سازمان پزشکی قانونی کشور صادر شده و تاریخ ۸ خرداد ۱۳۹۸ را بر خود دارد این را تأیید می‌کند که یک استخوان دست

راست او شکسته است، اما این را هم افزوده بود که به دلیل گذشت زمان و این که او پس از بروز آسیب مورد معاینه پزشکی قرار نگرفته بود، غیرممکن است بتوان زمان وقوع حادثه منجر به آسیب و علل و شرایط پیرامونی آن را احراز کرد (رجوع شود به ضمیمه شماره ۱۴).

فایل صوتی ضبط شده از دومین جلسه دادگاه که در ۲ مهر ۱۳۹۸ برگزار شد مشخص می‌کند که دادگاه بار دیگر مغایر با قوانین بین‌الملل و قوانین ایران، شکایات نوید و وحید افکاری را بدون صدور دستور تحقیقات رد کرده است. هنگامی که نوید و وحید افکاری تلاش کردند تا شرح دهند چگونه آنان مرتباً جهت اخذ «اعتراف» تحت شکنجه قرار گرفته بودند و از دادگاه تقاضا کردند تا «اعترافات» تحت شکنجه آنان را به عنوان مدرک در نظر نگیرد و دستور بررسی صادر کند، قاضی دادگاه صحبت‌های آنان را قطع کرد و حاضر نشد به شکایات مرتبط با شکنجه گوش کند. در این فایل صوتی، صدای قاضی شنیده می‌شود که استدلال نوید افکاری در مورد این که دادگاه وظیفه دارد تا ماهیت داوطلبانه «اعترافات» را اثبات کند، رد کرده و به طور ضمنی ادعا می‌کند که «اعترافات» تحت شکنجه متهمان از آن جا که با دست‌خط خودشان نوشته شده معتبر است. یک جا نوید افکاری قاضی را مطلع می‌سازد که یکی از روش‌های شکنجه او شامل نگهداری او در سلولی بود که تعرضات جنسی در آن رواج داشته است. در پاسخ، صدای قاضی شنیده می‌شود که به تمسخر می‌گوید: «پس مواظب خودت باش!» نوید افکاری، وحید افکاری و خانواده‌شان از این به عنوان تهدیدی تلویحی به تعرض جنسی برداشت کردند.

در فایل صوتی، صدای نوید و وحید افکاری شنیده می‌شود که با ارجاع به ماده ۱۶۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بر این اصرار می‌ورزند که دادگاه موظف است بر مبنای این ماده دستور تحقیق صادر کند تا تعیین سازد که آیا «اعترافات» شان به صورت داوطلبانه بوده و یا به اجبار اخذ شده است. این ماده اظهار می‌دارد: «قراری که تحت اکراه، اجبار، شکنجه و یا اذیت و آزار روحی یا جسمی اخذ شود، فاقد ارزش و اعتبار است و دادگاه مکلف است از متهم تحقیق مجدد نماید.» بر اساس فایل صوتی، قاضی نخست با لحنی تمسخرآمیز از نوید و وحید افکاری می‌خواهد که محتوای این ماده را بیان کنند. سرآخر در حالی که نوید و وحید افکاری بر این تقاضای خود اصرار می‌ورزند، قاضی قول می‌دهد اظهاراتی که پیش‌تر خارج از دادگاه و نزد مسئولان دادستانی از متهمان گرفته شده دارای ارزش اثباتی نخواهد بود.

با این وجود، در حکمی که چند هفته بعد در تاریخ ۲۳ مهر ۱۳۹۸ صادر شد، شعبه ۱ دادگاه کیفری یک استان فارس «اعترافات» تحت شکنجه‌ی نوید افکاری و وحید افکاری را به عنوان مدرک اثبات جرم طرح کرد. دادگاه در رأی خود اظهار داشت که نوید افکاری و وحید افکاری شکایات شکنجه را «تحت تأثیر آموزش‌های زندان و با این تصور که ممکن است با انکار واقعیت، موجبات رهایی خود را فراهم نمایند» مطرح کرده‌اند.

در رد شکایات نوید افکاری در مورد شکنجه و این که «اعترافات» اخذ شده از او علیه خودش و برادرش وحید افکاری به وسیله شکنجه صورت گرفته، شعبه ۱ دادگاه کیفری یک استان فارس به عمد اظهارنامه کتبی یک زندانی را که اظهار داشته بود در مهر ۱۳۹۷ در بازداشتگاه آگاهی شیراز شاهد شکنجه‌ی نوید افکاری توسط مأمورین آگاهی بوده را نادیده گرفته است. این شاهد در اظهارنامه‌اش نوشته است: «دیدم دو نفر لباس شخصی با لوله باتوم داشتند نوید افکاری را کتک می‌زدند و روی زمین به بغل افتاده بود، دستش روی سرش بود و التماس می‌کرد که کتکش نزنند... [یکی از ماموران] سه چهار ضربه به دست نوید کوبید و حین فحاشی ناموسی می‌گفت این که می‌گویم درست است.» این شاهد افزود که چند ساعت بعد، دوباره نوید افکاری را دید که با گریه به او گفت که یکی از بازجویان هنگام ضرب و شتم دست او را شکسته است.

اطلاعات ثبت شده در پرونده و فایل صوتی از جلسه محاکمه در ۲ مهر ۱۳۹۸ آشکار می‌کند که نوید افکاری مرتباً از دادگاه خواسته تا به او اجازه بدهند که این شاهد را به دادگاه فرابخواند، اما قاضی رئیس جلسه این درخواست را رد کرده و به راحتی اظهار داشته که دادگاه در پایان جلسه درخواست را بررسی خواهد

کرد و اگر «ضروری» تشخیص داده شود، این شاهد بعداً احضار خواهد شد. وقتی نوید افکاری می پرسد چه چیزی باعث خواهد شد که قاضی این مسأله را «ضروری» تشخیص دهد، قاضی حاضر نمی شود پاسخ بدهد.

وحید، حبیب و نوید افکاری «اعترافات» خود در جریان جلسات محاکمات خود مقابل شعبه ۱۱۶ دادگاه کیفری دو شیراز و دادگاه انقلاب شیراز نیز پس گرفتند و اعلام کردند که این اظهارات تحت شکنجه و سایر رفتارهای بیرحمانه و غیرانسانی از آن اخذ شده است. با این وجود، شعبه ۱۱۶ دادگاه کیفری دو شیراز در رای خود، که کمتر از دو صفحه و در مورد اتهامات هر سه برادر است، با استناد به «اقرار صریح متهمین در مراحل تحقیقات مقدماتی نزد پلیس، اطلاعات و در دادسرا» نتیجه می گیرد که «بزهکاری» آن‌ها «محرز و مسلم» است. به همین نحو، در رای شعبه ۲ دادگاه انقلاب شیراز علیه وحید و نوید افکاری و رای شعبه ۱ دادگاه انقلاب شیراز علیه حبیب افکاری، «بزهکاری» متهمین با توجه به «اظهارات» آن‌ها نزد مأموران آگاهی و وزارت اطلاعات و بازپرسان پرونده «محرز» دانسته شده است. شعبه ۲ دادگاه انقلاب شیراز به علاوه اظهار داشت که وحید و نوید افکاری «دلیل یا مدرکی ... مبنی بر اخذ اظهارات نامبرده به وسیله شکنجه در اداره اطلاعات» ارائه نکرده‌اند.

۳. درخواست عدم استناد به «اعترافات» تحت شکنجه در مرحله تجدیدنظر

شعبه ۳۹ دیوان عالی کشور، که رای شعبه ۱ دادگاه کیفری استان فارس علیه نوید افکاری و وحید افکاری را تایید کرد، نیز بدون صدور دستور تحقیق، ادعاهای شکنجه وحید افکاری و نوید افکاری را رد کرد. دیوان عالی کشور در حکم خود اذعان کرده که وحید افکاری و نوید افکاری «اعترافات» خود را تحت این عنوان که آن‌ها توسط شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها بدست آمده‌اند پس گرفته‌اند. دیوان عالی کشور همچنین تأیید کرد که یک نفر کتباً اظهار کرده است که شاهد بوده است که دو مامور لباس شخصی در حالی که به نوید افکاری فحش می‌داده‌اند او را با لوله و باتوم مورد ضرب و شتم قرار داده و مجبور به «اعتراف» به آنچه می‌خواسته‌اند کرده‌اند. با این وجود، دیوان عالی کشور «اعترافات» اجباری به دست آمده در مرحله تحقیقات را «صریح» توصیف کرد و گفت «ادعای اکراه و اجبار و شکنجه از سوی آنان [نوید افکاری و وحید افکاری] مدلل به دلیل قاطعی نیست.»

در خصوص رای شعبه ۱۱۶ دادگاه کیفری دو، حبیب، وحید و نوید افکاری در درخواست‌های تجدیدنظر کتبی‌شان به شعبه ۲۷ دادگاه تجدیدنظر استان فارس در شهریور ۱۳۹۸، اعتراض خود به موضوع استناد به «اعترافات» تحت شکنجه را مجدداً مطرح کردند. حبیب افکاری به طور مشخص اظهار داشت که «ضابطین پلاک ۱۰۰ اداره اطلاعات با اعمال شدیدترین شکنجه‌های روحی و جسمی بنده را وادار به تقریر مطالب غیرواقع و کذب محض کردند.»

به گفته یک منبع آگاه که توسط عفو بین‌الملل مورد مصاحبه قرار گرفته است، حبیب، وحید و نوید افکاری در جلسه شعبه ۲۷ دادگاه تجدیدنظر استان فارس در ۱۶ بهمن ۱۳۹۸، تکرار کردند که اتکای دادگاه بدوی به «اعترافات» اجباری آن‌ها غیرقانونی بوده و خواستار انجام تحقیقات شدند. علیرغم همه این‌ها، شعبه ۲۷ دادگاه تجدیدنظر استان فارس، محکومیت آن‌ها را در ۲۰ بهمن ۱۳۹۹ تأیید کرد و در حکم خود هیچ اشاره‌ای به دغدغه‌های مربوط به شکنجه و این که حبیب، وحید و نوید افکاری «اعترافات» اجباری خود را پس گرفته بودند نشده است.

نقض حق دسترسی به عدالت و جبران خسارت

وحید افکاری، حبیب افکاری و برادرشان نوید افکاری، علاوه بر طرح موضوع شکنجه نزد مقامات دادستانی و قضایی درگیر در پرونده‌شان، در جست‌وجوی روشن شدن حقایق، برقراری عدالت و جبران خسارت، به دیگر نهادهای قضایی و نظارتی نیز متوسل شده بودند، اما این تلاش‌ها بی‌نتیجه مانده است.

۱. طرح شکایت به دادستان عمومی و انقلاب شیراز

نوید افکاری به ترتیب در ۲ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۸ و ۱۱ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۸، شکایات خود را علیه بازپرس شعبه ۸ بازپرسی دادسرای ویژه امور جنایی و جرایم امنیتی شهرستان شیراز و همچنین مأموران آگاهی و مأموران وزارت اطلاعات مظنون به دست داشتن در شکنجه وی، به دادستان عمومی و انقلاب شیراز تسلیم می‌کند. حبیب افکاری نیز از مأموران وزارت اطلاعات که مظنون به مشارکت در شکنجه وی بودند، به دادستان شیراز در اوایل خردادماه ۱۳۹۸ شکایت می‌برد. دادستان، از اجرای یک بررسی مؤثر، مستقل و بی‌طرفانه سر باز می‌زند. در عوض، همان‌طور که اطلاعات مندرج در پرونده نشان می‌دهد، وی کتباً دستور می‌دهد که این شکایات توسط همان بازپرسی مورد بررسی قرار گیرد که در تهیه قرار نهایی شعبه ۱۰ بازپرسی دادسرای ویژه امور جنایی و جرایم امنیتی شهرستان شیراز علیه برادران افکاری، مورخ ۲۶ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۸، نقش کلیدی داشته است.

نوید و حبیب افکاری، بین ماه‌های تیر و شهریور ۱۳۹۸، با مقامات دادستانی چندین بار مکاتبه می‌کنند و مشارکت بازپرس منتصب در نقض حقوقی که در وهله اول منجر به شکایت شده بود را متذکر و خواستار ارجاع پرونده به بازپرسی دیگر می‌شوند که بی‌طرفی لازم جهت بررسی شکایات را داشته باشد. آن‌ها همچنین با بازپرس موردنظر مکاتبه کرده و از وی می‌خواهند که از خود رفع صلاحیت کند. اطلاعات مندرج در پرونده حاکی از رد تمامی این درخواست‌ها است.

اسناد موجود در پرونده نشان می‌دهد که در ۷ مرداد ۱۳۹۸، حبیب افکاری توسط بازپرس شعبه ۱۰ بازپرسی دادسرای ویژه امور جنایی و جرایم امنیتی شهرستان شیراز، احضار و از او خواسته شده اظهارات خود را در خصوص شکنجه و سایر بدرفتاری‌هایی که ادعا کرده بر او رفته مکتوب نماید. به نقل از یک منبع آگاه، نوید افکاری نیز به همین ترتیب احضار شده، اما بازپرس، اظهارات کتبی وی را در پرونده وارد نکرده است، که این خود حاکی از انجام تخلفات توسط بازپرس در روند رسیدگی به شکایت است. به نقل از همان منبع آگاه، در این جلسات، حبیب افکاری و نوید افکاری، هر دو خواستار اجازه دسترسی به ویدیوهای ضبط شده از جلسات بازجویی‌شان می‌شوند که طبق گفته ایشان می‌تواند ثابت کند که مورد شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها قرار گرفته‌اند. اما بازپرس ادعا می‌کند که فایل‌های ویدیویی پاک شده بوده‌اند.

نوید افکاری در شکایتی جداگانه خطاب به دادسرای کارکنان دولت، اذعان می‌کند که در ۲۲ مهرماه ۱۳۹۸، بازپرس شعبه ۱۰ بازپرسی دادسرای ویژه امور جنایی و جرایم امنیتی شهرستان شیراز، شاهد عینی‌ای که نوید جهت اثبات ادعای شکنجه خود معرفی کرده بود را احضار و او را، در صورت شهادت به ضرب و شتم نوید افکاری، تهدید به پیگرد قضایی و حبس طولانی‌مدت کرده است. به روایت یک منبع آگاه، این شاهد اما موضع خود را حفظ کرده و در حمایت از نوید افکاری شهادت می‌دهد، اما بازپرس مجدداً این شواهد و مدارک مهم را در پرونده وارد نمی‌کند.

اسناد موجود در پرونده نشان می‌دهد که در ماه مرداد و شهریور ۱۳۹۸ ارتباطات متعددی بین مقامات زندان و دادسرا و بین این مقامات و نوید افکاری و حبیب افکاری برای انجام معاینه آن‌ها توسط متخصصان پزشکی صورت می‌گیرد. مقامات دادسرا و مسئولین زندان نوید افکاری و حبیب افکاری را مجبور به پرداخت هزینه‌های مربوط به این معاینات کردند.

سرانجام، در تاریخ ۸ آبان ۱۳۹۸، یک نظریه پزشکی برای حبیب افکاری صادر می‌شود که وجود پارگی در کتف چپ و همچنین شکستگی در مچ دست چپ و یکی از انگشتان پای راست او را تأیید می‌کند (رجوع شود به ضمیمه ۶). در رابطه با نوید افکاری، به گفته یک منبع آگاه، مقامات قضایی و سازمان پزشکی

قانونی صدور یک گزارش پزشکی جدید برای وی را غیرضروری دانسته، چراکه قبلاً گزارشی به تاریخ ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۸ در پرونده وی موجود بوده که شکستگی استخوانی در دست راست وی را تأیید می‌کرده است (رجوع شود به ضمیمه ۱۴).

در تاریخ ۲۳ تیر ۱۳۹۹، شعبه ۱۰ بازپرسی دادسرای ویژه امور جنایی و جرایم امنیتی شهرستان شیراز، طی قراری کتبی شکایات حبیب افکاری و نوید افکاری را رد کرده و دستور منع تعقیب صادر می‌کند. این قرار که شامل یک بند است اعلام می‌کند که حبیب افکاری و نوید افکاری «هیچ گونه دلایل و مستندات قانونی» برای اثبات ادعاهای خود در رابطه با موضوع شکنجه ارائه نکرده‌اند. این قرار به دروغ ادعا می‌کند که نوید افکاری مایل به انتقال به سازمان پزشکی قانونی جهت بررسی علائم احتمالی شکنجه در بدن خود نبوده، و از هرگونه ارجاع به گزارش پزشکی مورخ ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۸ و شهادت شاهد عینی شکنجه نوید افکاری را پرهیز می‌کند. طبق این قرار، در گزارش پزشکی قانونی مورخ ۸ آبان ۱۳۹۸ در رابطه با حبیب افکاری آمده است که شکستگی «قدیمی» بوده و «صدمات ادعا شده نیز مربوط به سابق و تضمین دقیق زمان حدوث مقدور نبوده» است. این در حالی است که در گزارش پزشکی موردنظر چنین عباراتی وجود ندارند (رجوع شود به ضمیمه ۶).

متعاقباً، حبیب افکاری و نوید افکاری، دادخواست تجدیدنظر نسبت به رأی صادره را به شعبه ۱۱۰ دادگاه کیفری ۲ شیراز تسلیم می‌نمایند. در تاریخ ۱۳ اسفند ۱۳۹۸، دادگاه تجدیدنظر، دادخواست ایشان را بدون ارائه دلیل رد می‌کند.

۲. شکایت به دادسرای کارکنان دولت

در تاریخ ۵ خرداد ۱۳۹۸ نوید افکاری در مجتمع قضایی ویژه کارکنان دولت در تهران، شکایت خود علیه بازپرس شعبه ۸ بازپرسی دادسرای ویژه امور جنایی و جرایم امنیتی شهرستان شیراز و همچنین مأموران آگاهی و مأموران وزارت اطلاعات که مظنون به دست داشتن در شکنجه وی بودند، را ثبت می‌کند. حبیب افکاری و وحید افکاری نیز شکایات مشابهی را در ۳ شهریور ۱۳۹۸ ثبت می‌کنند.

در اوایل شهریور ۱۳۹۸، مجتمع قضایی ویژه کارکنان دولت در تهران، بازپرس شعبه ۸ دادسرای ویژه امور جنایی و جرایم امنیتی شیراز را به دلایل «سوءاستفاده از موقعیت شغلی» و «اقدام یا اظهارنظر از روی غرض و برخلاف حق» طبق مواد ۵۷۶ و ۶۰۵ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵ تحت بازرسی قرار و با توجه به محل سکونت شاکی و متهم در شیراز، به شعبه ۵ دایاری شیراز نیابت می‌دهد.

مطابق ماده ۵۷۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، «چنانچه هر یک از صاحب‌منصبان و مستخدمین و مأمورین دولتی [...] از مقام خود سوءاستفاده نموده و از اجرای اوامر کتبی دولتی یا اجرای قوانین مملکتی [...] جلوگیری نماید به انفصال از خدمات دولتی از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد.» با استناد به ماده ۶۰۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، «اقدام یا اظهارنظر از روی غرض و برخلاف حق» می‌تواند منجر به محکومیت حبس تا سه ماه یا مجازات نقدی تا مبلغ یک‌میلیون و پانصد هزار ریال (معادل ۶ دلار ایالات متحده) شود.

در پاییز ۱۳۹۸، یک دادیار در شیراز با نوید افکاری، حبیب افکاری و وحید افکاری مصاحبه می‌کند؛ پرونده پزشکی این سه برادر را بررسی می‌کند؛ شهادت شاهد عینی معرفی شده توسط نوید افکاری را اخذ و ثبت کرده و بازپرس شعبه ۸ بازپرسی دادسرای ویژه امور جنایی و جرایم امنیتی شهرستان شیراز را جهت بازجویی احضار می‌نماید. اطلاعات ثبت شده نشان می‌دهد که دادیار مذکور، در بهمن ۱۳۹۸، تحقیقات خود را در شیراز به پایان رسانده و اسناد جمع‌آوری شده را به تهران فرستاده است.

اطلاعات ثبت شده همچنین نشان می‌دهد که اتهام «سوءاستفاده از موقعیت شغلی» از لیست اتهامات حذف و به اتهامی تحت عنوان «آزار و اذیت بدنی» به استناد ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵ ارجاع داده شده است.

در تاریخ ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۹، یک مقام دادستانی در دادسرای کارکنان دولت در تهران با صدور یک قرار، بازپرس شعبه ۸ دادسرای ویژه امور جنایی و جرایم امنیتی شیراز را از اتهامات مذکور در خصوص «آزار و اذیت بدنی» و «اقدام یا اظهارنظر از روی غرض و برخلاف حق» تبرئه و شکایات برادران افکاری، نوید، حبیب و وحید را مردود تلقی می‌کند. در همان روز، این قرار جهت تأیید به دادستان دادسرای کارکنان دولت در تهران ارجاع می‌شود. از آن جا که به شاکیان اجازه دسترسی به این بخش از پرونده داده نشده، بنابراین ایشان اطلاعاتی در خصوص اقدامات صورت گرفته در مراحل بعدی این پرونده را ندارند. با این حال، یک قرار کتبی صادره مورخ ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۹ از شعبه ۱۰۵۸ دادگاه کیفری ۲ مجتمع قضایی ویژه کارکنان دولت، حاکی از این است که رئیس دادسرای کارکنان دولت در تهران، تنها بخشی از رأی صادره مورخ ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۹ را تأیید کرده است. وی با تبرئه بازپرس شعبه ۸ از اتهام مربوط به «آزار و اذیت بدنی» موافقت کرده، اما اذعان داشته که تصمیم‌گیری در خصوص اتهام «اقدام یا اظهارنظر از روی غرض و برخلاف حق» در حوزه صلاحیت دادسرای کارکنان دولت در تهران نمی‌باشد. این بخش از پرونده به شعبه ۱۰۵۸ دادگاه کیفری ۲ مجتمع قضایی ویژه کارکنان دولت ارجاع داده می‌شود. این دادگاه متعاقباً، به تاریخ ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۹ طی رأی کتبی حاوی یک بند، تصریح می‌کند که رفتار بازپرس مورد اتهام، در رسیدگی به پرونده «مستنبط از نظر قضایی» بوده و دستور منع تعقیب را صادر می‌کند.

اطلاعات موجود حاکی از آن است که هیچ اقدامی جهت بررسی شکایات شکنجه توسط حبیب افکاری، وحید افکاری و نوید افکاری علیه مأموران آگاهی و مأموران وزارت اطلاعات صورت نپذیرفته است.

۳. شکایت به دادستان نظامی استان فارس

نوید، حبیب و وحید افکاری شکایاتی را نیز از داخل زندان دادستان نظامی استان فارس، علیه مأموران آگاهی و مأموران وزارت اطلاعات مظنون به دست داشتن در شکنجه تسلیم کردند. شکایات نوید افکاری و حبیب افکاری به‌طور رسمی در ۱۴ آبان ۱۳۹۸ و شکایت وحید افکاری رسماً در ۱ بهمن ۱۳۹۸ به ثبت رسیده است.

دادستانی نظامی استان فارس در رسیدگی به شکایات برادران افکاری متناقض عمل کرده است.

این نهاد شکایات نوید افکاری و حبیب افکاری را در تاریخ ۲۶ آذر ۱۳۹۸ با استناد به عدم صلاحیت مربوطه رد می‌کند. در این خصوص، رأی کتبی مستدلی به نوید و حبیب افکاری ارائه نمی‌شود. خانواده افکاری تنها از طریق پایانه قوه قضائیه از این نتیجه مطلع شده‌اند. این در حالی است که در آبان ۱۳۹۸، یک مقام در دادستانی نظامی استان فارس نامه‌ای خطاب به وزارت اطلاعات و حراست آگاهی مرقوم کرده و از خانواده افکاری خواسته بود که نامه مذکور را به همراه نسخه‌ای از شکایات، حضوراً به دفاتر این ارگان‌ها در شیراز تحویل دهند. در آن زمان، مقام مذکور در دادستانی نظامی استان فارس به خانواده افکاری گفته بود که در متن نامه، مشخصاً از وزارت اطلاعات و مقامات آگاهی خواسته شده به درخواست‌های آن‌ها جهت جمع‌آوری اطلاعات پاسخ دهند و همچنین دسترسی به ویدیوهای ضبط شده بازجویی‌ها را فراهم کنند.

شکایت وحید افکاری همچنان مفتوح است. در ۱۵ دی ۱۳۹۹، یک بازپرس از دادستانی نظامی استان فارس فارس از وحید افکاری در زندان بازدید و در مورد جزئیات شکایت‌اش با وی مصاحبه می‌کند. وحید افکاری و نزدیکان وی از آن زمان هیچ اطلاعات جدیدی درباره وضعیت شکایت دریافت نکرده‌اند. طی

پیگیری‌های صورت گرفته، خانواده وحید افکاری از طریق دادستانی نظامی استان فارس مطلع شده است که وزارت اطلاعات و مقامات آگاهی به درخواست آن نهاد پاسخی نداده‌اند و همچنین از در اختیار گذاشتن ویدیوهای بازجویی‌ها سر باز زده‌اند.

۴. شکایت به دادسرای انتظامی قضات

نوید افکاری، وحید افکاری و حبیب افکاری شکایات جداگانه‌ای نیز به دادسرای انتظامی قضات علیه بازپرس شعبه ۸ دادسرای ویژه امور جنایی و جرایم امنیتی شیراز و همچنین مأموران وزارت اطلاعات و مقامات آگاهی که مستدلاً مظنون به مشارکت در شکنجه بودند، تسلیم کرده‌اند. خانواده افکاری این شکایات را حضوراً، بین ماه‌های اردیبهشت و تیر ۱۳۹۸ ثبت می‌نمایند.

دادسرای انتظامی قضات شفاهاً به خانواده افکاری اطلاع می‌دهد که شیوه کار آن‌ها به صورتی است که شاکیان را از وضعیت شکایت یا هر اقدامی که متعاقباً ممکن است پشت درهای بسته صورت گیرد مطلع نمی‌کنند. به نقل از یک منبع آگاه، وقتی خانواده برای اطلاع از مراحل رسیدگی به شکایت پافشاری می‌کنند، یک مقام در دادسرای انتظامی قضات خانواده را متهم می‌کند که «با استفاده از موضوع شکنجه به دنبال دریافت حکم براءت» هستند و سعی در گریز از عدالت دارند.

۵. شکایت به یک دادسرای ناحیه در شیراز

نوید افکاری و وحید افکاری، همچنین در ۴ بهمن ۱۳۹۸ دو شکایت به یک دادسرای ناحیه در شیراز، علیه ستوان یکم آگاهی، که وی را به نام شناسایی کرده بودند، و سایر مأموران آگاهی و مأموران وزارت اطلاعات که مظنون به مشارکت در شکنجه بودند، تسلیم می‌کنند. در تاریخ ۲۳ فروردین ۱۳۹۹، شعبه ۳۱ دادیاری دادسرای ناحیه ۱ شیراز، طی قرار کتبی شامل یک بند، شکایات را رد می‌کند. در رابطه با پرونده نوید افکاری، در قرار صادره قید شده که شعبه ۱۰ دادسرای ویژه امور جنایی و جرایم امنیتی شیراز قبلاً ادعاهای شاکی را مورد بررسی قرار داده و رد کرده بوده است و بدین ترتیب، پرونده مختومه اعلام می‌شود. در قرار دادسرا آورده شده که شکات «ادله اثباتی» دال بر آزار و اذیت بدنی توسط مقامات قضایی برای اقرار گرفتن، ارائه نکرده و به همین دلیل قرار منع تعقیب صادر می‌شود.

انتقام‌گیری به خاطر اعتراض

مقامات ایران نه فقط از اجرای تحقیقات به هنگام، مستقل و بی‌طرفانه درباره شکایات برادران افکاری سر باز زده‌اند، بلکه آن‌ها را به طور مستمر مورد شکنجه و سایر رفتارهای بی‌رحمانه، غیرانسانی و ترذیلی قرار داده‌اند.

وحید افکاری و حبیب افکاری گزارش دادند که در ۱۵ شهریور ۱۳۹۹ در زندان عادل‌آباد، وقتی درباره سرنوشت و مکان نگهداری برادرشان نوید افکاری که در ۱۳ شهریور به مکان نامشخصی برده شده بود پرسیدند، مورد ضرب و شتم شدید قرار گرفته و به سلول انفرادی فرستاده شدند. نوید افکاری در ۲۲ شهریور ۱۳۹۹ به صورت مخفیانه اعدام شد. از آن زمان، وحید افکاری و حبیب افکاری یا جداگانه و یا در کنار هم در سلول‌های انفرادی بدون پنجره محبوس بوده‌اند. مقامات زندان مانع از ارتباط آنها با سایر زندانیان، دسترسی به هوای تازه، تماس تلفنی و ملاقات‌های حضوری با خانواده شده‌اند. همچنین مراقبت‌های پزشکی مناسب، از جمله در رابطه با جراحات مربوط به شکنجه، عامدانه از آن‌ها سلب شده است. هر دو از درد مزمن ستون فقرات رنج می‌برند. حبیب افکاری همچنین از دندان‌درد رنج می‌برد و نیاز به مراقبت‌های تخصصی دندانپزشکی دارد.

از شهریور ۱۳۹۹، وحید افکاری و حبیب افکاری و خانواده‌هایشان بارها در اعتراض به این انزوای طولانی مدت به مسئولان زندان و مقامات قضایی و دادستانی مراجعه کرده و درخواست کرده‌اند که آن‌ها به بند عمومی زندان برگردانده شوند، اما نتیجه‌ای نداشته است. مقامات، هیچ توضیحی در مورد این که چرا وحید افکاری و حبیب افکاری در حبس انفرادی طولانی مدت نگه داشته شده و از حقوقشان به عنوان زندانی محروم شده‌اند توضیحی نداده‌اند. همچنین مقامات مشخص نکرده‌اند که کدام نهاد رسمی دستور نگهداری وحید افکاری و حبیب افکاری را در سلول‌های مختص انفرادی داده است.

خانواده‌های وحید افکاری و حبیب افکاری هم‌چنین هدف آزار و ارباب قرار گرفته‌اند.

حدود فروردین ۱۳۹۸، بازپرس شعبه ۸ دادسرای ویژه امور جنایی و جرایم امنیتی شیراز از پدر برادران افکاری، حسین افکاری، از بابت «افترا به مقام قضایی» و «توهین به مقام قضایی» از طریق «نسبت دادن جرم شکنجه» به وی شکایت کرد.

در تاریخ ۳۰ خرداد ۱۳۹۸، شعبه ۱۰۹ دادگاه کیفری دوم شیراز، حسین افکاری را بدون استناد به هیچ مدرکی و اشاره به میزان جدی بودن ادعای شکنجه طرح شده توسط فرزندان حسین افکاری، به اتهامات وارده محکوم کرد و برایش حکم یک سال حبس و ۷۴ ضربه شلاق صادر نمود، اما اظهار داشت که با توجه به «شخصیت مرتکب جرم» و عدم سابقه کیفری، «اصلاح ایشان در آینده پیش‌بینی می‌گردد و بنابراین اجرای نصف مجازات حبس و نصف مجازات شلاق را به مدت یک سال به حالت تعلیق درمی‌آورد.

در ۶ شهریور ۱۳۹۸، شعبه ۳۲ دادگاه تجدیدنظر استان فارس، محکومیت و حکم حسین افکاری را در خصوص «بزه افترا» با توجه به اینکه شاکی «گذشت» خویش را اعلام نموده نقض کرد و در خصوص اتهام «توهین به مقام قضایی»، به لحاظ عدم ادله اثباتی کافی رای بر براءة حسین افکاری صادر نمود.

در هفته‌های پس از اعدام مخفیانه نوید افکاری، تهدیدات علیه خانواده او نیز شدت گرفت. به گفته یک منبع آگاه، برای هفته‌ها پس از اعدام نوید افکاری، مقامات قضایی و پلیس، مأمورین اطلاعاتی و امنیتی به طور مکرر خانواده را علیه اعتراض علنی تهدید می‌کردند. این تهدیدها شامل تهدید به کشتن حبیب افکاری و وحید افکاری در زندان، «تبعید» آنها به یک زندان دور از استان فارس، نگهداری آنها در سلول انفرادی برای تمام مدت مجازات حبس و تهدید به بازداشت یا کشتن همه اعضای خانواده می‌شد.

مقامات، خانواده افکاری را مجبور کردند که نوید افکاری را شبانه و بلافاصله پس از اعدام در قبرستانی دورافتاده در روستای سنگر در شهرستان سپیدان، که حدوداً در فاصله ۷۵ کیلومتری شیراز قرار دارد، در حضور مأموران اطلاعاتی و امنیتی به خاک بسپارند. آنها تهدید کردند که اگر خانواده اصرار به دیدن جسد نوید افکاری یا دفن وی در گورستانی در داخل شیراز یا برگزاری مراسم خاکسپاری داشته باشند، جسد نوید افکاری به خانواده‌اش تحویل داده نخواهد شد و آن‌ها او را در یک گور بی‌نشان دفن خواهند کرد.

مقامات اجازه ندادند که خانواده نوید افکاری قبل از خاکسپاری جسد او را ببینند. آنها جسد را شبانه و پوشیده در کفن سفید به محل دفن آوردند و خانواده را مجبور کردند بلافاصله جسد را دفن کنند. به گفته یک منبع آگاه، یکی از اعضای خانواده موفق شد دور از چشم مأمورین اطلاعاتی کفن را از صورت نوید افکاری برای چند ثانیه کنار زده و علائمی را ببیند که نشان می‌داد بینی وی شکسته است.

تا امروز مقامات از نصب سنگ قبر روی مزار نوید افکاری توسط خانواده‌اش جلوگیری کرده و محل دفن وی را که با بتن پوشانده شده مورد هتک حرمت قرار داده‌اند. در آبان ۱۳۹۹، افراد ناشناسی که گمان می‌رود وابسته به سازمان‌های امنیتی و اطلاعاتی باشند عبارتی که خانواده روی سطح بتنی نوشته بود و از نوید افکاری به عنوان «شهید» یاد می‌کرد، را پاک کردند (رجوع شود به ضمیمه ۱۵).

در آذر ۱۳۹۹، در حالی که خانواده در تلاش بودند زمین اطراف محل دفن را مسطح کنند و سنگ قبر نصب کنند، مقامات محلی به گورستان آمدند، زمین اطراف محل دفن نوید افکاری را با بولدوزر تخریب کرده و پدر و یکی از برادرانش را برای چندین ساعت بازداشت کردند. فرماندار شهرستان سپیدان این حادثه را در مصاحبه‌ای رسانه‌ای در تاریخ ۲۸ آذر ۱۳۹۹ تأیید کرد و «دلیل» آن را عدم رعایت «دستورالعمل‌های ساخت و ساز» و نداشتن «جواز ساخت» از سوی خانواده عنوان کرد (رجوع شود به ضمیمه ۱۶).

در اسفند ۱۳۹۹، پس از آنکه خانواده نوید افکاری نام او را به صورت برجسته روی سطح بتنی نوشتند و از او به عنوان «جهان پهلوان» و «قهرمان کشور» یاد کردند، افراد ناشناسی که گمان می‌رود وابسته به سازمان‌های امنیتی و اطلاعاتی باشند، طرح نوشتاری برجسته‌ای روی سطح بتنی را خراب کردند (رجوع شود به ضمیمه ۱۷).

بحران مصونیت ساختاری

مصائب دردناک برادران افکاری انعکاسی از بحران مصونیت ساختاری در ایران است که به رواج انواع شکنجه و سایر رفتارهای بی‌رحمانه، غیرانسانی و ترذیلی در زندان‌های کشور دامن زده است، از جمله ضرب و جرح، شلاق، شوک الکتریکی، آویزان کردن، اجبار به نشستن یا ایستادن در وضعیت‌های دردناک، اعدام مصنوعی، القای حس خفگی با آب، خشونت جنسی، تجویز به اجبار مواد شیمیایی و محرومیت عامدانه از مراقبت‌های پزشکی.

قربانیان و خانواده‌هایشان در داخل کشور از دسترسی به عدالت محرومند، چرا که قوه قضائیه، که قاعداً باید مسئول اجرای تحقیقات شفاف و مستقل باشد، خود از عوامل کلیدی نقض حقوق بشر و ارتکاب جرایم بین‌المللی است. نیروی‌های امنیتی و اطلاعاتی و همینطور مقامات دادستانی دخیل در دستگیری‌ها و بازجویی‌ها زیرنظارت قوه قضائیه عمل می‌کنند. زندان‌ها و مراکز بازداشت در ایران هم توسط قوه قضائیه اداره می‌شوند.

بحران جاری مصونیت ساختاری در ایران موجب شده که اشخاصی که به شکل مستدل مظنون به ارتکاب جرایم بین‌المللی و نقض آشکار حقوق بشر هستند بتوانند نه فقط از دست عدالت فرار کنند بلکه بر مسند قدرت نیز بنشینند، چنان که به تازگی نیز در رسیدن ابراهیم ریسی به مقام ریاست جمهوری مشاهده شد، فردی که باید برای جنایت علیه بشریت مورد تحقیق و تفحص قرار بگیرد. این وضعیت نه فقط تأثیری ویرانگر بر قربانیان و خانواده‌هایشان گذاشته بلکه حاکمیت قانون را از بین برده و ارتکاب مستمر جرم‌های بین‌المللی و نقض حقوق بشر در ایران را به شکلی گسترده و نظام‌یافته فراهم کرده است.

درخواست‌ها و توصیه‌ها

سازمان عفو بین‌الملل از مقامات ایران می‌خواهد که:

- وحید افکاری و حبیب افکاری را آزاد کنند زیرا حبس آن‌ها از نظر قوانین بین‌المللی مصادق «بازداشت بی‌ضابطه» است و احکام غیرمنصفانه آنان را نقض نموده و کلیه اتهامات متاثر از شرکت مسالمت‌آمیز آنان در اعتراضات را فسخ کنند. در صورتی که آن‌ها به جرائم شناخته‌شده در سطح جهان متهم بشوند، روند محاکمه مجدد آن‌ها باید مطابق با استانداردهای جهانی مرتبط با دادرسی عادلانه و بدون توسل به «اعترافات» اجباری باشد.
- تضمین کنند که تا زمان آزادی، برادران افکاری در شرایطی منطبق با استانداردهای بین‌المللی رفتار و مراقبت از زندانیان نگهداری شوند که شامل دسترسی به امکانات درمانی مناسب و ارتباط با خانواده‌هایشان می‌شود.

- تحقیقات فوری، مستقل و بی طرفانه‌ای درباره کلیه افرادی که به دلایل مستدل مظنون به صدور دستور، اجرا و همکاری در شکنجه‌ی وحید افکاری و حبیب افکاری‌اند باید مورد بازجویی قرار بگیرند و اگر شواهد کافی علیه آن‌ها پیدا شد، باید طی دادرسی‌های منصفانه و بدون توسل به مجازات اعدام، محاکمه شوند. این شامل مأموران اداره آگاهی، مأموران وزارت اطلاعات، مسئولان زندان عادل‌آباد و بازپرس‌های شعبه‌های ۸ و ۱۰ بازپرسی دادسرای ویژه امور جنایی و جرایم امنیتی شهرستان شیراز می‌شود.
- برخورداری وحید افکاری، حبیب افکاری و خانواده‌ی آن‌ها از اقدامات جبرانی و ترمیمی‌ای که با درجه و شدت آسیب‌های ناشی از نقض حقوق انسانی‌شان تناسب داشته باشد، را تضمین می‌کنند.

سازمان عفو بین‌الملل درخواست خود از اعضای شورای حقوق بشر مبنی بر اتخاذ اقدامات ذیل را تجدید می‌کند:

- اقدامات مشخصی را برای برخورد با بحران مصونیت ساختاری اتخاذ کنند از جمله با تأسیس یک سازوکار بی طرف و مستقل تا شواهد و اسناد مرتبط با جدی‌ترین جرایم بین‌المللی ارتکاب یافته در ایران را به نحوی که در دادرسی‌های کیفری قابل استناد باشد، گردآوری، نگهداری، تحلیل و تقویت نماید و بدین ترتیب زمینه دادرسی‌های کیفری مستقل و عادلانه را در آینده فراهم سازد.

ضمیمه شماره ۱ - شکایات مکتوب وحید افکاری

تصاویر ۳ صفحه از شکایاتی که وحید افکاری در ۸ خرداد ۱۳۹۸ به دادستانی انتظامی قضات ارسال کرده است.

عکس ۱.۱

۲

فرم ویژه مکاتبات مددجویان	
شماره ثبت در دفتر مددکاری: _____	
تاریخ ثبت در دفتر مددکاری: _____	
شماره پرونده: _____	
تاریخ وقوع: _____	
مکان وقوع: _____	
نام مرجع: _____	
عنوان درخواست: _____	
شرح درخواست: _____	
تایید رئیس امور زندگان: _____	
تایید مقام مسئول: (مهر الزامی است)	

تذکره: این فرم را در صورت وقوع هر یک از موارد فوق در اختیار مراجع ذیصلاح قرار دهید. این فرم در صورت وقوع هر یک از موارد فوق در اختیار مراجع ذیصلاح قرار دهید.

۳۰

فرم ویژه مکاتبات مددجویان

شماره خانوار: ۱۳۶۳ شرح مورد: بیماری مزمن محل تسکین معکوبیت: محل تسکین معکوبیت عادل آباد
 نام: علیرضا جنس: مرد سن: ۳۵ کلاس پرونده: بیماری مزمن

نام مرجع که با آن مکاتبه می نماید: ادستیان محترم دادسرای اصفهانی اصفهان
 عنوان درخواست: صراح شکایت از باز پرس بیگانه دادسرای حیاتی اصفهان

شرح درخواست: مریض خود را فقط در همین صفحه بیان نماید:
در دو هفته گذشته من و همسر من دچار بیماری مزمن گردیدیم که بسیار آزار دهنده است و من از یک روز
بسیار بی خوابی می بینم. امروزه من بسیار کم خوابم و این حالت من را بسیار آزار می دهد. من
بسیار خسته و بی انرژی هستم. من در این مدت هیچ کاری نکرده ام و فقط در خانه می مانم. من
بسیار ناراحت هستم و می خواهم بدانم که آیا این بیماری من را می کشد یا نه. من می خواهم بدانم
که آیا من می توانم این بیماری را درمان کنم یا نه. من می خواهم بدانم که آیا من می توانم
این بیماری را درمان کنم یا نه. من می خواهم بدانم که آیا من می توانم این بیماری را
درمان کنم یا نه. من می خواهم بدانم که آیا من می توانم این بیماری را درمان کنم یا نه.



شماره ثبت در دفتر مددکاری: ۱۳۶۳
 مهر و امضاء: علیرضا
 تاریخ: ۱۳۶۳

تایید رئیس انستروگرام: [Signature]
 تایید مقام مسئول: [Signature] (ضرب مهر الزامی است)

گواهی می دهد که بدون مسئولین فوق الذکر به مراجع قضایی، مسئولین زندان و سایر مراجع ارسال نموده تلفات قضایی محسوب شده و ترتیب اثر داده نخواهد شد.

ضمیمه شماره ۲ - یادداشت‌های رسمی مسئولان در مورد اعتصاب غذای وحید افکاری

تصاویر دو یادداشت رسمی موجود به تاریخ ۱۴ مهر ۱۳۹۷ و ۲۸ مهر ۱۳۹۷، که در آن‌ها نگهبانان زندان به مقامات ارشد زندان و بازرسان پرونده وحید افکاری گزارش داده‌اند که وی گفته که با اعتصاب غذا تلاش دارد تا دست به «خودکشی تدریجی» بزند و به این وسیله «بی‌گناهی» اش را مورد تأکید قرار داده و صدای خود را به گوش مقامات قضایی برساند

بسمه تعالی
 ۹۷/۷/۲۳

موضوع: تعلیم حدود بیست و هشت نفر از زندانیان در زندان
 در تاریخ ۱۳۹۷/۷/۲۳ ساعت ۱۰:۳۰ صبح در زندان کرج، در جریان تفریح، تعدادی از زندانیان به سمت دروازه خروجی زندان حرکت کردند و با ایجاد تنش و توهین به نگهبانان، اقدام به اعتصاب غذا کردند. در این خصوص، نگهبانان اقدام به اطلاع رسانی به مسئولین زندان نمودند. در ادامه، مسئولین زندان با حضور در محل، با زندانیان گفت‌وگو کردند و از علت اعتصاب غذا پرسیدند. زندانیان اعلام کردند که به دلیل مشکلات عدیده زندان، از جمله کمبود غذای مناسب، کمبود امکانات تفریحی و عدم برخورد مناسب با زندانیان، اقدام به اعتصاب غذا کرده‌اند. در ادامه، مسئولین زندان با زندانیان گفت‌وگو کردند و از مشکلات آن‌ها آگاه شدند. در نهایت، زندانیان به اعتصاب غذا ادامه دادند.

امین افشاری
 ۳۷/۱۱/۲۹

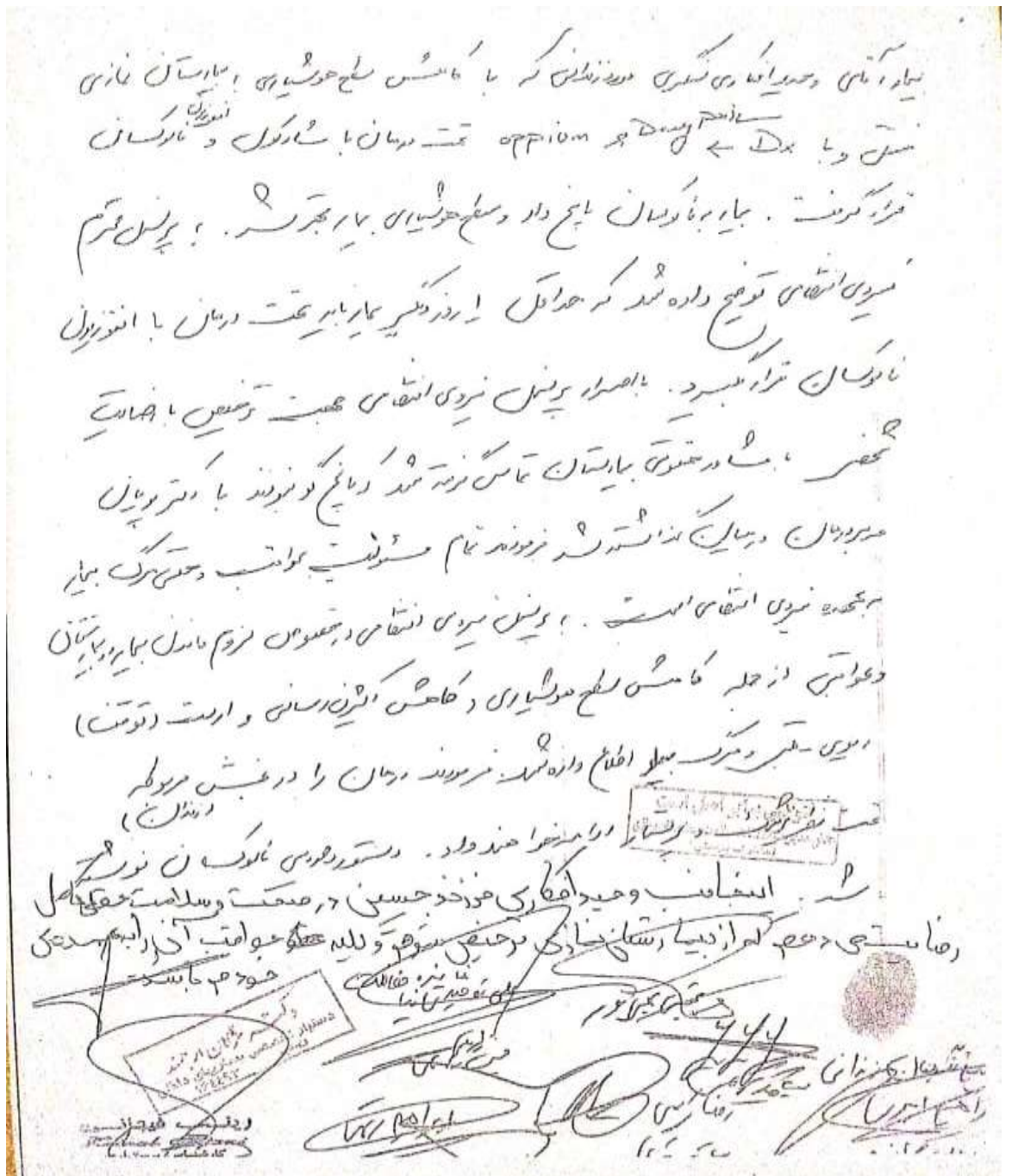
بسمه تعالی
 ۹۷/۷/۲۸

موضوع: تعلیم حدود بیست و هشت نفر از زندانیان در زندان
 در تاریخ ۱۳۹۷/۷/۲۸ ساعت ۱۰:۳۰ صبح در زندان کرج، در جریان تفریح، تعدادی از زندانیان به سمت دروازه خروجی زندان حرکت کردند و با ایجاد تنش و توهین به نگهبانان، اقدام به اعتصاب غذا کردند. در این خصوص، نگهبانان اقدام به اطلاع رسانی به مسئولین زندان نمودند. در ادامه، مسئولین زندان با حضور در محل، با زندانیان گفت‌وگو کردند و از علت اعتصاب غذا پرسیدند. زندانیان اعلام کردند که به دلیل مشکلات عدیده زندان، از جمله کمبود غذای مناسب، کمبود امکانات تفریحی و عدم برخورد مناسب با زندانیان، اقدام به اعتصاب غذا کرده‌اند. در ادامه، مسئولین زندان با زندانیان گفت‌وگو کردند و از مشکلات آن‌ها آگاه شدند. در نهایت، زندانیان به اعتصاب غذا ادامه دادند.

امین افشاری
 ۳۷/۱۱/۲۹

ضمیمه شماره ۳ - هشدار پزشکان بیمارستان نمازی درباره ترخیص زود هنگام و حید افکاری

تصویر هشدار کادر پزشکی بیمارستان نمازی، مورخ فرودین ۱۳۹۸، به نیروهای امنیتی مبنی بر اینکه که ترخیص زود هنگام و حید افکاری از بیمارستان و بازگرداندن او به زندان، وی را در معرض خطر جدی کاهش سطح هوشیاری و کمبود اکسیژن، ایست قلبی و مرگ قرار می‌دهد. در پایین این یادداشت، جمله‌ای دست‌نویس توسط و حید افکاری نوشته و با انگشت مهر شده است که می‌گوید «اینجانب، و حید افکاری، فرزند حسین، در صحت و سلامت عقلی کامل رضایت می‌دهم که از بیمارستان نمازی ترخیص شوم و کلیه عواقب آن به عهده‌ی خودم باشد.» یک منبع آگاه به عفو بین‌الملل گفت که و حید افکاری مجبور شده بوده که این اظهارنامه را به اجبار امضاء کند.



ضمیمه شماره ۵ - شکایت حبیب افکاری به دادستان شیراز

تصاویر چهار صفحه از شکایتی که حبیب افکاری در اردیبهشت ۱۳۹۸ به دادستان شیراز تسلیم کرده است. حبیب افکاری نوشته است که در فاصله بین ۲۲ آذر تا ۲۷ دی ۱۳۹۷، بازجویان وزارت اطلاعات او را مکرراً تحت شکنجه و سایر رفتارهای بی‌رحمانه، غیرانسانی و ترذیلی قرار دادند تا او را وادار به اعتراف علیه خود و برادرانش، نوید و وحید افکاری کنند.

در شکایتی که در عکس شماره ۵.۱ نشان داده شده، حبیب افکاری توضیح می‌دهد که چگونه بازجوها بارها او را در سلول‌هایی نگه داشته‌اند که در آن‌ها صدای فریاد برادرش نوید افکاری از درد به گوش او می‌رسیده و به او می‌گفتند: «اگر نوید زیر این شکنجه‌ها بمیرد، مقصرش تویی».

در شکایتی که در عکس شماره ۵.۲ نشان داده شده، او گزارش داده که در دوره بازداشت، از دندان‌دردهای شدید رنج می‌برد، اما مسؤولان از دادن مسکن به او امتناع می‌کردند و در نتیجه این امر، او از شدت درد فریاد می‌کشیده و سرش را به دیوار می‌کوبیده است. او اشاره کرده که در پاسخ به تقاضاهای متعدد او برای دیدن پزشک، مأموران در حالی که او را مورد تمسخر و ناسزا قرار می‌دادند و به او می‌گفتند: «هر وقت سقط شدی، می‌بریمت دکتر، ولی نه الان»

در شکایاتی که در عکس‌های شماره ۵.۲ و ۵.۳ نشان داده شده، حبیب افکاری نوشته است که مأموران اطلاعات او را در حالی که چشم‌بند به چشم داشت برای چند روز پشت سر هم به صندلی‌ای که به دیوار ثابت شده بود زنجیر و روی سر و صورت او پلاستیک می‌کشیدند به نحوی که جلوی نفس‌کشیدنش را می‌گرفت و او را دچار حس خفگی می‌کرد. او نوشته است که یکی از مأموران حاضر به او می‌گفت: «هر وقت تصمیم گرفتی بنویسی بگو تا پلاستیک را بردارم».

در شکایاتی که در عکس‌های شماره ۵.۳ و ۵.۴ نشان داده شده، حبیب افکاری نوشته است که یک شب، مأمورین اطلاعات دستانش را از پشت بستند، او را به روی زمین انداختند و دستانش را چنان به شدت بالا کشیدند که کتف‌چپش از جا درآمد. حبیب افکاری اظهار داشته که پس از این واقعه، او شنید که یکی از شکنجه‌گزارش گفت: «سید، فکر کنم کتفش شکست» و شکنجه‌گر دیگر پاسخ داد: «مهم نیست. اگر بخواهد به لج‌بازی ادامه بده، بیضه‌هایش را هم می‌ترکانم.» در شکایاتی که در عکس شماره ۵.۴ نشان داده شده، حبیب افکاری نوشته که بعد از اینکه کتفش آسیب دید، یکی از مأمورین او را روی یک صندلی نشانده و در حالی که با فریاد به او دشنام‌های رکیک می‌داد به او گفت: «هیچ راهی نداری جز این که هر چه می‌گویم بنویسی.» حبیب افکاری نوشته است «از آن به بعد دیگر مغزم یاری نمی‌کرد و توان فکر کردن نداشتم. تقریباً هر آنچه دیکته می‌کردند بالاچار می‌نوشتم»

فرم ویژه مکاتبات مددجویان

۳/۶

ع
ک
م
م
م

نام و نام خانوادگی: حبیب افکار فرزندی حسینی تاریخ تولد: ۱۳۷۰ محل تولد: لنگرکوار محل تحمل محکومیت: زرسر (زبان مؤثرین شیراز)
 اتهام: تبلیغ علیه نظام بدو بازداشت: ۲۲، ۹، ۹۷ مدت محکومیت: ————— کلاس پرونده: ۳۰۸۰۰۳۶۶ شماره پرونده: ۹۷۰۹۹۸۰۷

نام مرجعی که با آن مکاتبه می نماید: دادستان معظمی و انقلاب لنگرکوار - جناب آقای آسیابی
 عنوان درخواست: شکایت از ضابطین و سامورین اداره اطلاعات

شرح درخواست: عریضه خود را فقط در همین صفحه بیان نمایید:

اینجانب در ابتدای ام. تا تاریخ ۲۶، ۱۰، ۹۷ (۳۳۵ نفر) در انفرادی حبس گردیدم. رابطه ای
 بی افکارانه نزد یک روحانی محترم و برادریم نوید جویباری ایجاد نمودم. نتیجه آنکه سامورین و سرپرست این
 موضوع نهایتاً سرود است. با این برادریم که در زندان به هم نزدیک شدیم. چندی که در حال صحبت بودیم به سرپرست خودمان
 نوید را می شناسید که با حکام توان فریاد می کرد و التماس می کرد که محسوس می کردیم که آنرا زمین نوردیم گفتند
 در آن روز نوید زود این شکایتها را به سرپرست من رسید. محسوس می کردیم که در کار این به نوید شکایت
 باشد. هر چه بلای من می رسید من شکایت دادم و آنجا نگینند. سامورین که آنرا زمین نوردیم خودمان خواست
 شکایتی علیه نوید و نوید بنویسیم. به این فکر می کردم که اگر این چیزها می که در این دلیل می گفتن رو بنویسیم
 باعث نابودی زندانی هر دو برادرم می شد. به همین دلیل با برادریم و التماس این امر نمودن. استماع می کردیم.
 چند روزی همین سوال اقامه داشت. تا اینکه موایلم را آوردند و پیامهای کاملاً خصوصی بدون صورت



اثر انگشت مددجو:

شماره ثبت در دفتر مددکاری:

تأیید مقام مسئول: (ضرب مهر الزامی است)

تأیید رئیس اندرزگاه:

۵/۹

فرم ویژه مکاتبات مددجویان

نام و نام خانوادگی: حبیب انکلی فرزند: حسن تاریخ تولد: ۱۳۷۰ محل تولد: لندون محل تحمل محکومیت: ۳۰۳ (از تاریخ ۱۳۷۰ تا کنون) کلاس پرونده: ۳۶۶/۸۰۷/۹۷۰۹۹۸
 اتهام: تبلیغ علیه نظام بدو لغز باز داشت: ۹۷/۹/۲۲ مدت محکومیت: —————

نام مرجعی که با آن مکاتبه می نمایید: دادستان محترم عمومی و انقلاب شیراز - جناب آقای آسیابی
 عنوان درخواست: شکایت از ضابطین و سائیرین اداره اطلاعات

شرح درخواست: عرضه خود را فقط در همین صفحه بیان نمایید:

... در همین صفحه عرض خود را فقط در همین صفحه بیان نمایید:
 ... در این باره هیچ چیزی نگویید. تا ولایت تکلیف امر و در دارم (!!) به اینها دجله اند خداوند بسوخته من خونم که
 ... بارها اسارت را با تمام وجود حس می کردم. دروغ خیرا؟ در آن اسارت به چیز خلاصی خودم از فشار
 ... شکنجه ها می رسیدم و هیچ چیز نگویید. فکر می کردم در همین روزها بگذرد که بدلیل ناتوانی در تحمل
 ... شکنجه های وحشیانه و غیر انسانی است حرفه ای و حساب بستند به خواسته های ظالمانه آنکس که دارم و
 ... مطالب گذاشتند و راهی که به من تعلق می کرد را با آنرا تمام و محصور به نوبت زندان بستند. آیا این
 ... برخورد ها و رفتارها به پاسن شد یا وحشیانه است؟
 ... یک شب در حالی که از شدت جود دندان ... جوشم را قسم به هر صبحی می دیدم و قسم را از دست می بستند و مرا به
 ... زمین انداختند و در سانس را به سمت بالا می کشیدند که تا آنکه از شدت فشار و کتف جوشم از جایش کنده شد و
 ... ضربات می خوردند. سائیرین که سر را شل می زدند و با آنرا می زدند و سائیرین که سائیرین در لنت انداختند و نقلی شل است (۴)

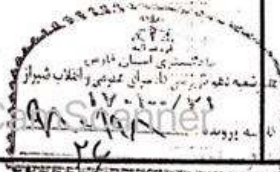


اثر انگشت مددجو:

شماره ثبت در دفتر مددکاری:

تایید مقام مسئول: (ضرب مهر الزامی است)

تایید رئیس اندرزگاه:



فرم ویژه مکاتبات مددجویان

۹/۶

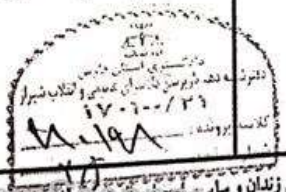
نام و نام خانوادگی: حبیب انصاری فرزند: حسین تاریخ تولد: ۱۳۷۰ محل تولد: گنبدکاوین محل تحمل محکومیت: زرسویش (مندان خوزستان شیراز) اتهام: تبلیغ علیه نظام بدو بازداشت: ۹۷/۹/۲۲ مدت محکومیت: — کلاس پرونده: ۳۸۰۰۳۹۰۰۷۰۹۶۸۰۹۷

نام مرجعی که با آن مکاتبه می نماید: دادستان محترم عمومی و انقلاب شیراز - جناب آقای آکسپایی
عنوان درخواست: تفکات از ضابطین و سامورین اداره اطلاعات

شرح درخواست: عریضه خود را فقط در همین صفحه بیان نمایید:
صاحب محترم جناب آقای دادستان محترم، بدینوسیله عرض می‌کنم که من در زندان گنبدکاوین به دلیل فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی در میان زندانیان، مورد توجه و مراقبت قرار گرفته‌ام. به دلیل این فعالیت‌ها، با مسئولین امنیتی و اطلاعاتی مواجه شده‌ام و به درخواست تفکات از ضابطین و سامورین اداره اطلاعات نیاز دارم. این درخواست را به منظور تسهیل فرآیند تفکات و جلوگیری از سوءتفاهم‌ها و تبعیضات غیرقانونی تقدیم می‌کنم. امیدوارم با مساعدت و همکاری شما، این درخواست به بهترین وجه پیگیری و حل شود. با احترام و تشکر مجدد از شما،
عبدالله محمدی

شماره ثبت در دفتر مددکاری:
اثر انگشت مددجو:

تأیید رئیس اندرزگاه:
تأیید مقام مسئول: (ضرب مهر الزامی است)



تذکره: فرمهایی که بدون مسئولین فوق الذکر، به مراجع قضایی، مسئولین زندان و سایر مراجع ذیصلاح ارسال می‌شود، منسوخ شده و ترتیب اثر داده نخواهد شد.

ضمیمه شماره ۶ - نظریه پزشکی قانونی در خصوص حبیب افکاری

تصویر نظریه پزشکی قانونی، مورخ ۸ آبان ۱۳۹۸، که وجود پارگی در کتف چپ حبیب افکاری و همچنین شکستگی در مچ دست چپ و یکی از انگشتان پای راست او را تأیید می کند

کد: 510F03		"پرونده درخواست مشاوریه"	
ویرایش: 00		تاریخ: ۱۳/۸/۹۸	
شماره: ۴۷۳۷		متخصص: ارتوپدی	
پیوست:		جناب آقای / سرکار خانم دکتر سید ...	

نامردن ذیل به حضور معرفی می گردد خواهشمند است پس از احراز هویت و انجام موارد درخواستی نتیجه را در پاکت درسته به این مرکز اعلام نماید.

نام خانوادگی:	نام پدر:	تاریخ تولد:	جنسیت:
افکاری	حبیب		

تاریخچه و علائم بالینی:
موضوع مشاوره:

لجفا بیان زبانیه آریا صدمات تروماکیه مرتباً احداثه مورد ادعاً فینوما
پیش در اند ...

رئیس پزشکی قانونی مرکز

مشاهدات و نظریات پزشک مشاوره:

از نظر زبانیه سر متناهی ۵ با پای راست ریه دستیه در دستیه
حالتی است سر در پهلو تا بیخ ۹۸/۶/۹۵ تنه ۵۳/۳۳ شکستگی بندیه بین است
۵ با پای راست فدییه که به پدیدر یانه ریه ۱ رنده ۱ شکستگی به بیخ فدییه فدییه ای که فدییه
دیه فدییه نیز به پدیدر به شکله ۵۳/۳۳ فدییه فدییه در فدییه ای که فدییه
۵۳/۳۳ فدییه فدییه

۹۸/۸/۱۸

مهر نظام پزشکی و امضاء پزشک مشاور

ضمیمه شماره ۷ - شکایات نوید افکاری به دادگاه

عکس شماره ۷.۱ تصویر شکایت نوید افکاری به دادگاه کیفری دو شیراز در تاریخ ۳۰ دی ۱۳۹۸ است. در این شکایت نوید افکاری نوشته است که در دی ماه ۱۳۹۷، هنگامی که در پلاک ۱۰۰ نگهداری می‌شد، او را به اتاقی بردند و برادرش حبیب را به او نشان دادند که دست‌ها و پاهایش به یک صندلی و دیوار قفل شده بود و پلاستیک روی سر و صورتش کشیده بودند. همان طور که در عکس شماره ۷.۲ تصویر شده، نوید افکاری در ادامه شکایت خود نوشت: «به محض دیدن این صحنه، شروع به داد و فریاد و التماس کردم. قصد داشتم با کوبیدن سر خودم به دیوار، خودشکی کنم»

عکس شماره ۷.۱

فرم ویژه مکاتبات مددجویان

نام و نام خانوادگی: نوید افکاری فرزند: حسین تاریخ تولد: ۱۳۷۲ محل تولد: شیراز محل تحمل محکومیت: زندان شیراز شماره پرونده: ۹۷/۶۲۵

نام اجنه: احلال درنظم بدو کتب بازداشت: ۹۷/۶۲۵ مدت محکومیت: کلاس پرونده: ۹۷/۶۹۱

م مرجعی که با آن مکاتبه می‌نمایید: ریاست محترم محکم کیفری ۲ شهرستان شیراز

توان درخواست: شهادت نامه

شرح درخواست: عریضه خود را فقط در همین صفحه بیان نمایید: **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ**
 با سلام و تحیات و عرض ادب و احتراماً اینجانب نوید افکاری فرزند حسین به کتبی ۹۷/۶۹۱ در محکومیت و سلامت کامل عقلمی و جسمانی به اسباب جلاله علوانه قوللله باللله تالله شهادت می‌دهم: «در اول دی ماه سال ۹۷ در بازداشتگاه پلاک ۱۰۰ اداره اطلاعات، مأمورین مربوط با هدفت و لرزه خیز کردن تکلیف من و برادری مرا به یک اتاق بردند و پس از برداشتن چشم بند دیدم چند ماهوار کتبا استفاده از ما بک و عینک و کلاه از تنمان پاره شده بود، برادرم حبیب افکاری که روی صندلی بود و دستها و پاهایش را بسته بودند به شدت با عصبیت و گله خیز و شتم من کردند و قهقاری‌های ناموسی می‌کردند پس از اینکه برادرم روی زمین افتاد و من فریاد و التماس می‌کردم با عصبانیت مرا از آنجا بردند و به سلول انفرادی بردند. چند هفته بعد مجدداً مرا به یک اتاق بردند و برادرم حبیب را روی یک صندلی در حالی که دستها و پاهایش به صندلی و دیوار قفل شده بود دیدم که یک پلاستیک روی سر و صورتش کشیده بودند. به محض دیدن این صحنه شروع به داد و فریاد و التماس

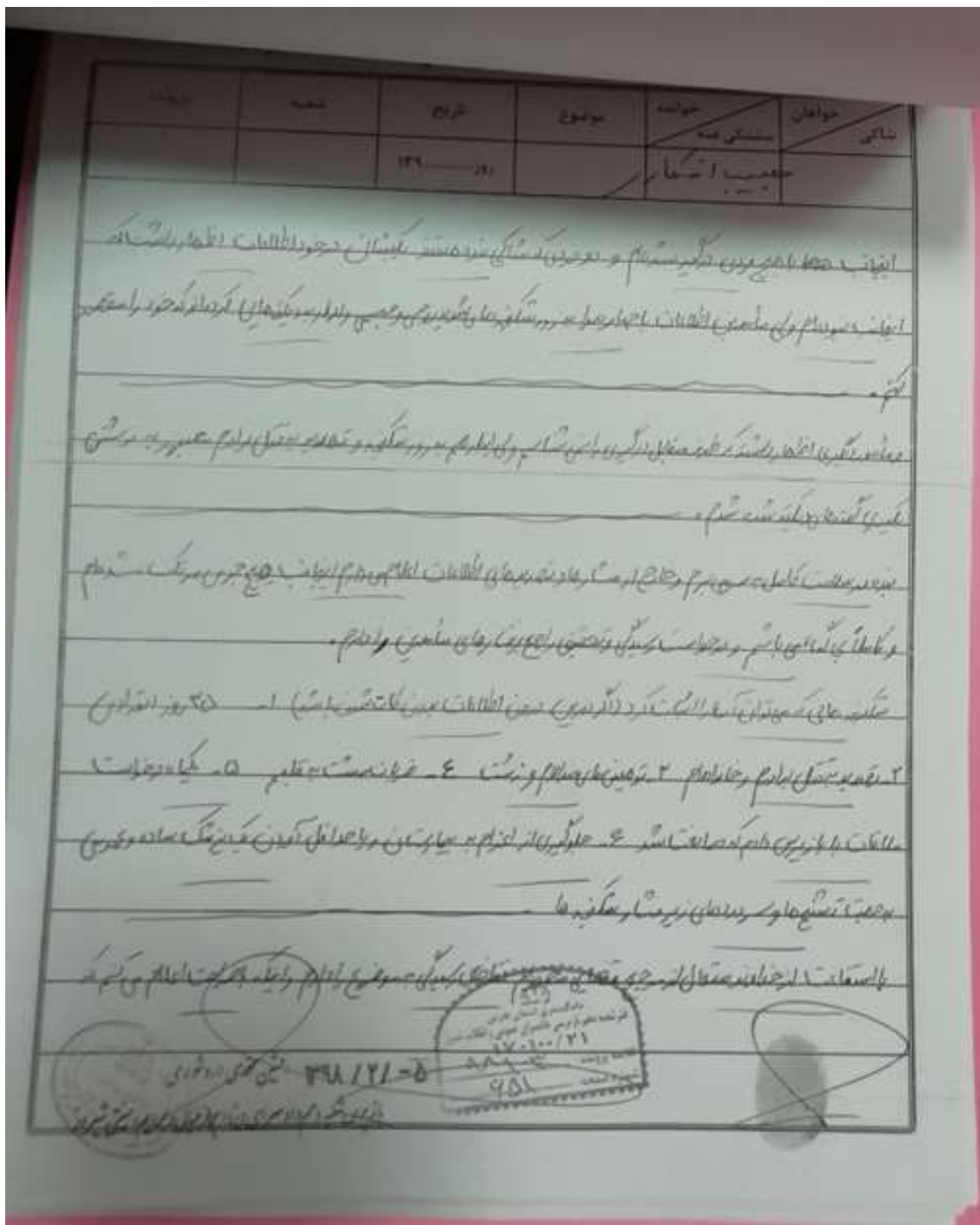
شماره ثبت در دفتر مددکاری:

تایید مقام مسئول کنترل امور از سوی ()
 در سال ...
 کنترل مراسلات زندانبانان
 زندانبان مرکز ...
 ...
 امضاء

تایید رئیس اندرزگاه:

ضمیمه شماره ۸ - اظهارات حبیب افکاری نزد بازپرس

تصویری از اظهارات مکتوب حبیب افکاری در مقابل بازپرس شعبه ۱۰ بازپرسی دادسرای ویژه امور جنایی و جرایم امنیتی شهرستان شیراز در ۵ اردیبهشت ۱۳۹۸. حبیب افکاری نوشته که در اثر شکنجه دچار سردرد و حملات تشنجی می شده ولی از دسترسی به خدمات پزشکی محروم بوده است. کوبیدن با ضربات مشت به سینه و نزدیک قلباش از جمله دیگر شکنجه‌هایی است که او در این سند به آن اشاره کرده است. او همچنین نوشته است که چطور در طی ۳۵ روز حبس انفرادی اش، بازجویان تهدید می کردند اگر «اعتراف» نکند، آنان برادران یا سایر اعضای خانواده اش را خواهند کشت و یا به آن‌ها آسیب خواهند رساند.



ضمیمه شماره ۹ - اظهارات حبیب افکاری در خصوص شکنجه

تصاویر دو صفحه از شکایت حبیب افکاری مورخ ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۸ به بازپرس شعبه ۸ بازپرسی دادسرای ویژه امور جنایی و جرایم امنیتی شهرستان شیراز. در شکایتی که در عکس ۹.۱ نشان داده شده، حبیب افکاری نوشته است که تحت انواع مختلف شکنجه‌های جسمی و روانی قرار گرفته است. بازجویان او را مورد ضرب و شتم قرار داده و همچنین تهدید می‌کردند که اگر او «اعتراف» نکند، برادران، مادر، همسر و یا خواهر باردارش را خواهند کشت و یا به آن‌ها آسیب خواهند رساند. حبیب افکاری نوشته که این تهدیدات موجب آشفتگی روانی شدید او شده و «جنون» به سراغش آمده بوده است. در شکایتی که در عکس ۹.۲ نشان داده شده، او گزارش داده است که مأمورین وزارت اطلاعات مکرراً به او گفته‌اند که «اینجا اطلاعات است و هیچ‌گونه نظارتی نیست به گونه‌ای که مراجع قضایی هم زیر نظر ماست» و «از ما هر کاری بر می‌آید».

عکس شماره ۹.۱

نام و نام خانوادگی: حبیب افکاری / تاریخ تولد: ۱۳۷۰ / محل تولد: شیراز / محل تحمل محکومیت: ر.م.س
 اتهام: تبلیغ علیه نظام / بدو بازداشت: ۲۳/۱/۹۷ / مدت محکومیت: / کلامه پرونده: /

نام مرجعی که با آن مکاتبه می‌نمایید: بازپرسی شعبه ۸ ابریشمی
 عنوان درخواست: شرح واقعات و اتهامات

شرح درخواست: عریضه خود را فقط در همین صفحه بیان نمایید:

باید در همین صفحه شرح دهید که چه اتفاقی برای شما افتاد است و چه اتفاقی برای شما افتاد است! (باید در همین صفحه شرح دهید که چه اتفاقی برای شما افتاد است و چه اتفاقی برای شما افتاد است!)

تاریخ: ۱۳۰۰ / شماره پرونده: ۳۵ / روز: ۳۵ / ماه: ۳۵ / سال: ۱۳۰۰ / شماره پرونده: ۳۵ / روز: ۳۵ / ماه: ۳۵ / سال: ۱۳۰۰

شماره ثبت در دفتر مددکاری: /

کنترل اثر انگشت مددجو: /

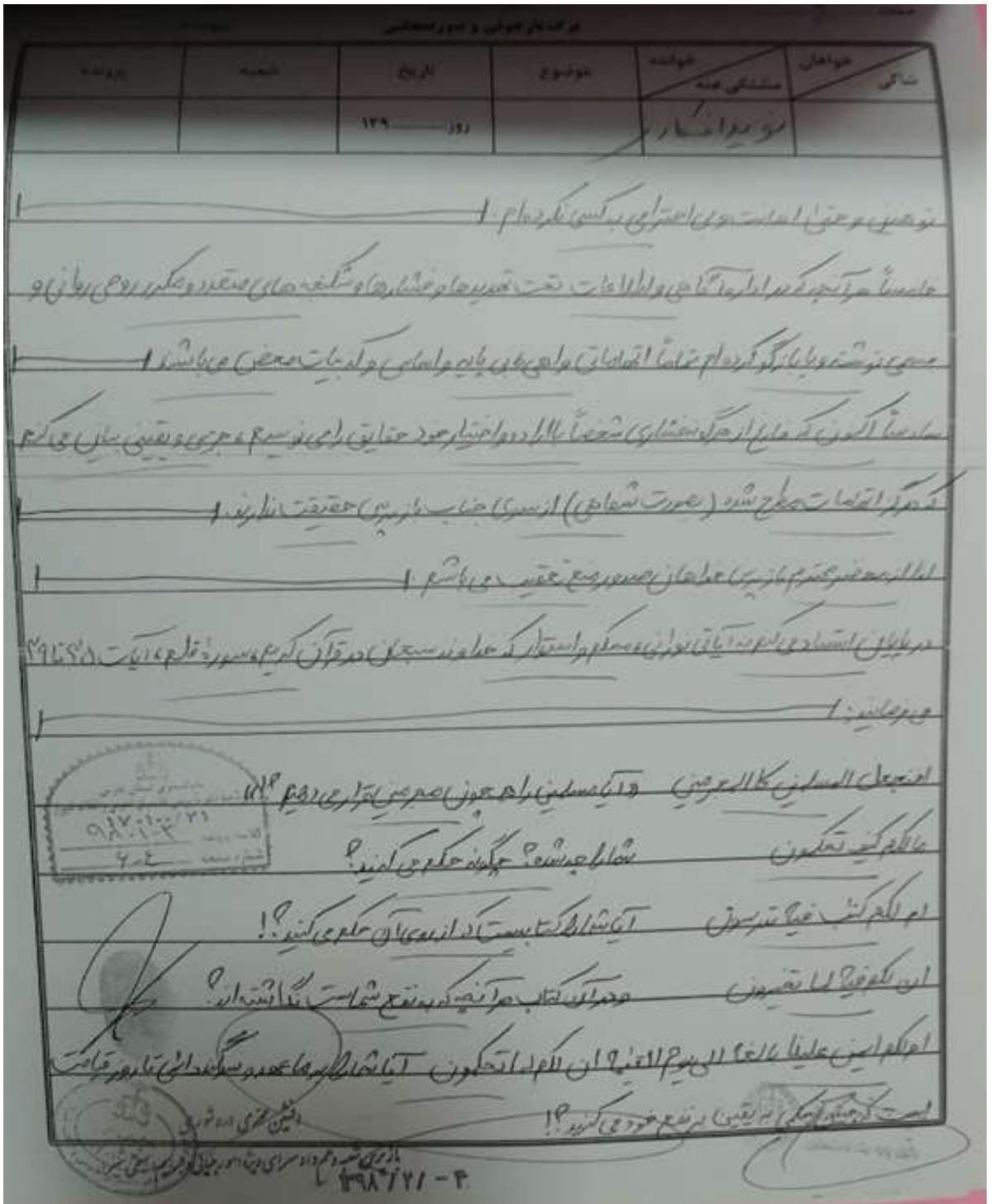
ارسال بلائین می باشد / کنترل مواسلات زندانبان / رضایت مددجو /

تأیید مقام مسئول: (ضرب مهر الزامی است) /

تأیید رئیس آموزشگاه: /

ضمیمه شماره ۱۰ - درخواست نوید افکاری مبنی بر عدم استناد به «اعترافات» تحت شکنجه

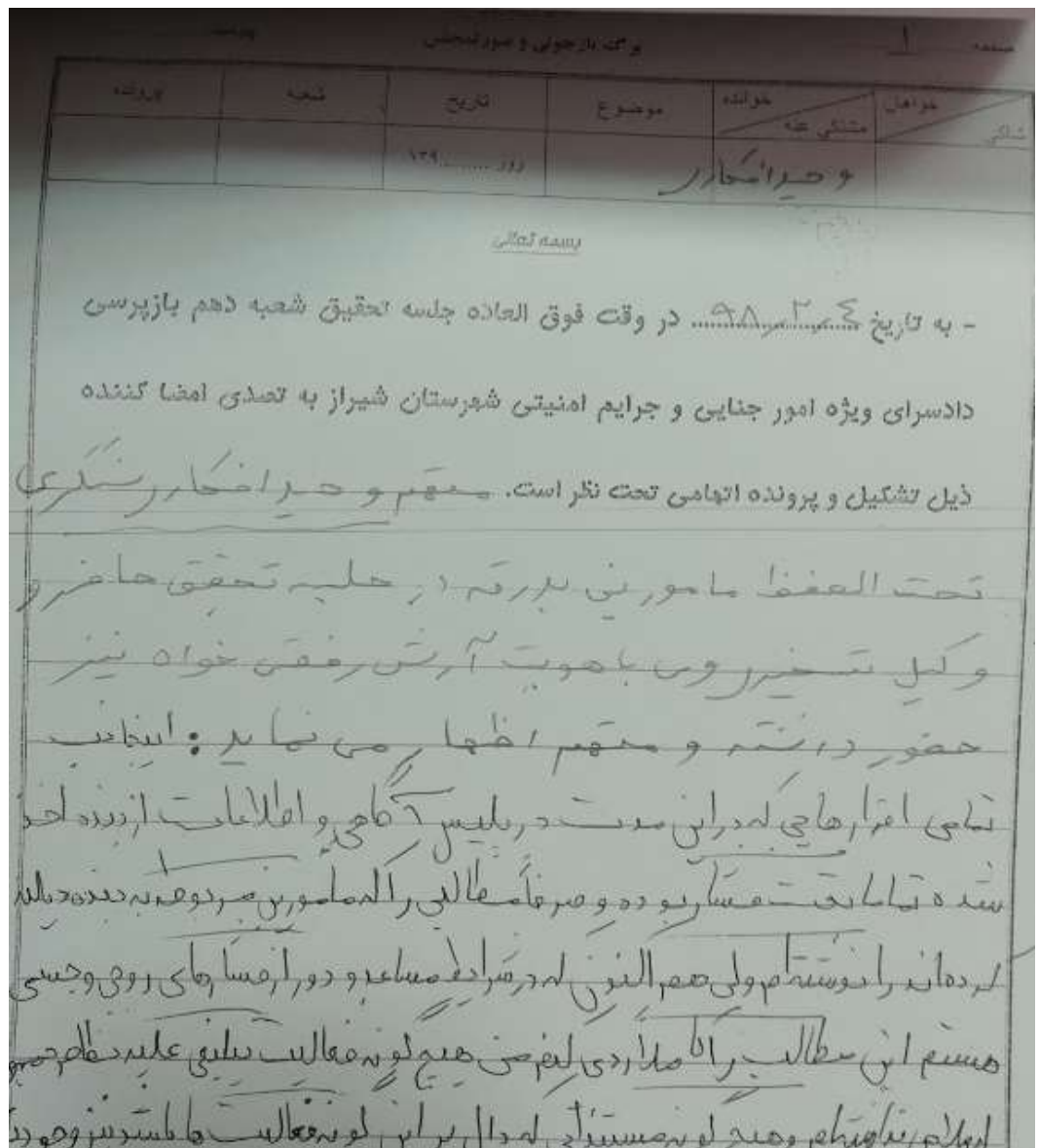
تصویر بخشی از اظهارات مکتوب نوید افکاری در مقابل بازپرس شعبه ۱۰ بازپرسی دادسرای ویژه امور جنایی و جرایم امنیتی شهرستان شیراز در تاریخ در ۴ اردیبهشت ۱۳۹۸. او در این جلسه «اعترافات» اش را پس گرفت و با خط خود نوشت: «هر آن چه که در اداره آگاهی و [وزارت] اطلاعات تحت تهدیدها و فشارها و شکنجه‌های مکرر روحی روانی و جسمی نوشته و یا بازگو کرده‌ام تماماً اتهاماتی واهی، بی پایه و اساس و کذبیات محض می‌باشند»



ضمیمه شماره ۱۱ - درخواست وحید افکاری مبنی بر عدم استناد به «اعترافات» تحت شکنجه

تصویر بخشی از اظهارات مکتوب وحید افکاری در مقابل بازپرس شعبه ۱۰ بازپرسی دادسرای ویژه امور جنایی و جرایم امنیتی شهرستان شیراز در تاریخ در ۴ اردیبهشت ۱۳۹۸. در اظهاراتی که در عکس ۱۱.۱ نشان داده شده، او نوشته است: «تمام اقرارهایی که در این مدت در پلیس آگاهی و اطلاعات از بنده اخذ شده تماماً تحت فشار بوده و صرفاً مطالبی را که مأمورین مربوطه به بنده دیکته کرده‌اند را نوشته‌ام ولی هم اکنون که در شرایط مساعد و دور از فشارهای روحی و جسمی هستم این مطالب را کاملاً رد می‌کنم». در اظهاراتی که در عکس ۱۱.۲ نشان داده شده، او افزوده است: «تهدید شدم که اگر اعتراف نکنی، مادرت را بازداشت می‌کنیم و اینکه دیگر دو برادرت را نخواهی دید که باعث اقدام به خودکشی اینجانب شده است.»

عکس شماره ۱۱.۱



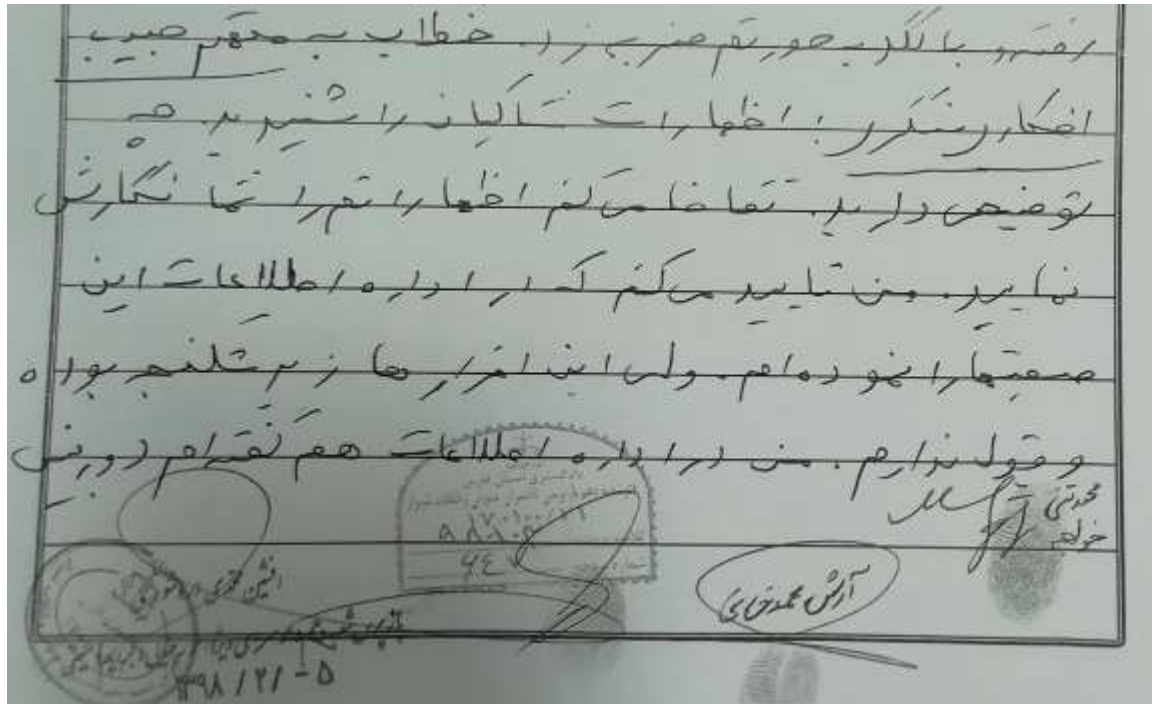
با اینکه شما تحت اقرار آنها را متعهد خود را بیان در دست آمد
 آیا متعهد است در بدو با خود و بگویم با اینکه با خط خودتان
 در آراش کامل نگارش کرده اند و توضیح خود را بیان کن
 به این شماره ها به دست رسید و روانی و روی دود است - طمانت - مساز دود است
 این گونه مساز های روانی می توان با خود دست زد و در دست خود را بر این
 محمد اوقای

برگ بازجویی و صورتجلسه

شکایتی	خواهان	مشتکی عنه	موضوع	تاریخ	شعبه	برونده
			و صد اقرار	روز ۱۳۹۰		
<p>حاضریت را بنا بر دست می انتم و اینها در دو بار آمدند، این خواهی در دو بار آمدند - اقدام به خود است اینها به دست دود است - و هر چند آن اعتراضات با خود اینها به خود است - بولی می - مساز و صورت - اینها است - صورت - اقرار خود را در حاضر</p>						

ضمیمه شماره ۱۲ - درخواست حبیب افکاری مبنی بر عدم استناد به «اعترافات» تحت شکنجه

تصویر بخشی از اظهارات مکتوب حبیب افکاری در مقابل بازپرس شعبه ۱۰ بازپرسی دادسرای ویژه امور جنایی و جرایم امنیتی شهرستان شیراز در تاریخ در ۴ اردیبهشت ۱۳۹۸. او در این جلسه اعلام کرد که «اعترافات» اش را قبول ندارد چون تحت شکنجه اخذ شده‌اند.



ضمیمه شماره ۱۳ - عریضه نوید افکاری به دادگاه

تصاویر چندین صفحه از عریضه‌ای که نوید افکاری در تاریخ ۲۲ مرداد ۱۳۹۸ به دادگاه کیفری یک استان فارس ارائه کرد.

در اظهاراتی که در عکس شماره ۱۳.۱ نشان داده شده، نوید افکاری نوشته است که او در برابر بازپرس‌های شعبه‌های ۸ و ۱۰ بازپرسی دادرسی ویژه امور جنایی و جرایم امنیتی شهرستان شیراز مکرراً اتهامات وارده علیه او و برادرش را انکار و به آنان شکایت کرده بود که توسط مأمورین آگاهی و عوامل وزارت اطلاعات به منظور به زبان آوردن اظهاراتی که باعث محکوم شدن او و برادرش شود مورد شکنجه قرار گرفته بود.

در اظهاراتی که در عکس‌های شماره ۱۳.۲ و ۱۳.۱ نشان داده شده، او شکایت کرده است که در طی نخستین جلسه دادگاه در ۱۲ مرداد ۱۳۹۸، قاضی دادگاه را از این آگاه ساخته که تحت شکنجه وادار به «اعتراف» شده است و او را به دو گزارش پزشکی در این رابطه ارجاع داده است، اما قاضی از صدور دستور تحقیق سرباز زده و به او گفته است «شاید در زندان یا بازداشتگاه، به دلیل دیگری آسیب دیده‌ای».

در اظهاراتی که در عکس‌های شماره ۱۳.۳ و ۱۳.۴ نشان داده شده، او گزارش کرده است که در ۲۷ شهریور ۱۳۹۷، یعنی یک روز پس از دستگیری، توسط مأموران آگاهی به مکان نامعلومی منتقل شده و چشم‌بسته و بدون اینکه بداند توسط بازپرس مورد بازجویی قرار گرفته است و در حضوری وی مورد ضرب و شتم و فحاشی‌های با ماهیت جنسی قرار گرفته است. نوید افکاری نوشته است که او بعدتر متوجه شده است که آن مکان نامعلوم دفتر بازپرسی دادرسی ویژه امور جنایی و جرایم امنیتی شهرستان شیراز بوده است.

در اظهاراتی که در عکس شماره ۱۳.۴ نشان داده شده، او از جمله اعلام کرده است که در حداقل دو مورد در مهر ۱۳۹۷ و آذر ۱۳۹۷، بازپرس شعبه ۸ بازپرسی دادرسی ویژه امور جنایی و جرایم امنیتی شهرستان شیراز به مکان نگهداری او (به ترتیب زمانی، بازداشتگاه تحت اداره شعبه ۵ آگاهی و وزارت اطلاعات) آمده و علناً دستور شکنجه او را صادر کرده تا او مطالبی که توسط سربازپرس به او دیکته شده بود را در «اعترافات» خود بنویسد.

۵۳۱ فرم ویژه مکاتبات مددجویان ۱۳

نام و نام خانوادگی: نوریه افشاری فرزند: حسین تاریخ تولد: ۱۳۷۲ محل تولد: شیراز محل تحمل معکوبیت: نر/م/ش
 اتهام: حج: صباست در قتل بدو بازداشت: ۹۷/۶/۹۷ مدت معکوبیت: کلاس پرونده:

نام مرجعی که با آن مکاتبه می نماید: رایست محترم شعبه اول کیفری که دادگاه تجدید قوه کیفری
 عنوان درخواست: ایرادات و درخواست ها و وفق شماره ۳۸۱۷ و ۳۸۱۸ آیین دادرسی کیفری

شرح درخواست: عریف خود را فقط در همین صفحه بیان نماید:
ادعا نمودند که در زندان با بازداشتگاه بدلیل درگیری آسیب دیده ای (۱) اندام ایشان می باشد اما معضات
صورتی مربوط (۱) آقایان که بقتل خود می باشد. ضابطان آقای ۵۰ باز پرس میزنند. ۴ رایست زندان و ۴ سایر پرست معانات
زندانی و ضابطان مربوطه. بلاک ۵۱۱ اطلاعات (۱) و استعلام از زندانهای معکوبه دادگای خود را اثبات نمایند چرا که
نمی توان صرفاً باطلی که ادعا می باشد را اثبات کرد. کما اینکه اینها نیز در تاریخ ۹۷/۶/۹۷ گواهی معاینه پزشکی
(مرفوع ساده) (این دادرسی کیفری) را که بیانگر صحت و سلامت کامل جسمی ام بوده ام صادر کرده اند و اکنون
یک مستند قانونی (این امر روی پزشکی قانونی) که بیانگر شکنجه زندان توسط ضابطان مربوط می باشد ارائه نمودم.
کما اینکه این اعتراض مندرجه پزشکی قانونی جز این بوده که رایست محترم دادگاه معکوبه اثبات میبرد ادعای شکنجه مندرجه
مستند داشته است. کما اینکه بنا به این مورد که فقط در صورت صحت و منفی بودن باین پزشکی قانونی بکار استناد
شود. ۱- مطابق ماده ۱۹۱ قانون مجازات اسلامی در اختیاری که قضاوت کرده و اجبار شکنجه و بازداشت و تکرار
تجربیات جسمی انجام شود. فاقد اثر من و اعتبار است و در دادگاه مکلف است از جهت تحقیق معذور نماید. (۱) همچنین

شماره ثبت دو دفتر مددکاری:

این بخش شامل یک مهر و یک کادر است. مهر دارای عبارت "این بخش منقضی است" و "تاریخ منقضی: ۱۳۸۰/۰۱/۰۱" است. کادر دارای عبارت "شماره ثبت دو دفتر مددکاری" است.

تأیید رئیس اندرزگاه:

تأیید مقام مسئول: (ضرب مهر الزامی است)

این بخش شامل دو مهر است. مهر سمت راست دارای عبارت "تأیید رئیس اندرزگاه" است. مهر سمت چپ دارای عبارت "تأیید مقام مسئول: (ضرب مهر الزامی است)" است.

تذکره: فرمهایی که بدون مسئولین فوق الذکر، به مراجع قضایی، مسئولین زندان و سایر مراجع ارسال شود تخلف انضباطی محسوب شده و ترتیب اثر داده نخواهد شد.

ضمیمه شماره ۱۴ - نظریه پزشکی قانونی در خصوص نوید افکاری

تصویر نظریه پزشکی قانونی، مورخ ۸ خرداد ۱۳۹۸، که تأیید می‌کند یک استخوان دست راست نوید افکاری شکسته بوده، اما این را هم افزوده که به دلیل گذشت زمان و این که او پس از بروز آسیب مورد معاینه پزشکی قرار نگرفته بود، امکان تعیین زمان وقوع حادثه منجر به آسیب و علل و شرایط پیرامونی آن مقدور نبوده است.

«روایتی تولید»

«بدان که تو هرگز از چشم خداوند دور نیستی؛ پس بنگر که چگونه‌ای؟»
امام جواد(ع)

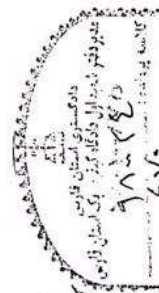
۱۲۷۸۱۸

مدیر محتوم زندان مرکزی شیراز

باسلام و احترام

بازگشت به نامه شماره ۲۰۰/۱/۱۲۷۸۱۸ مورخ ۱۳۹۸/۰۲/۱۹ در خصوص آقای/خانم نوید افکاری صاحب عکس انصافی فرزند حسین به استحضار می‌رساند:
از نامبرده در تاریخ ۹۸/۲/۲۴ معاینه به عمل آمد که فاقد آثار ظاهری ضرب و جرح می‌باشد. مدعی حادثه‌ی حدود سه ماه گذشته و شکستگی در ناحیه‌ی دست راست است. حسب مشاوره‌ی تخصصی شکستگی قدیمی در پنجمین استخوان کف دستی راست وجود دارد که با توجه به گذشت زمان و این که نامبرده مراجعه به پزشک در آن تاریخ نداشته و کلیشه‌ی رادیوگرافی مربوط به آن زمان نیز ندارد، ارتباط ضایعه‌ی مذکور با حادثه‌ی مورد ادعا محرز نگردید. ا.ع.ل

دکتر مریم ولی‌ئی
سرپرست بخش معاینات پزشکی
قانونی غرب شیراز



ضمیمه شماره ۱۵ - تصاویر مرتبط با هتک حرمت مزار نوید افکاری در آبان ۱۳۹۸

عکس‌هایی از مزار نوید افکاری قبل و بعد از آنکه افراد ناشناسی که گمان می‌رود وابسته به سازمان‌های امنیتی و اطلاعاتی بوده‌اند در آبان ۱۳۹۸ عبارتی که خانواده روی سطح بتنی نوشته بود و از نوید افکاری به عنوان «شهید» یاد کرده بود، را پاک کردند.



ضمیمه شماره ۱۶ - تصاویر مرتبط با هتک حرمت مزار نوید افکاری در آذر ۱۳۹۸

تصویری از وضعیت مزار نوید افکاری پس از آن که مقامات محلی زمین اطراف محل دفن وی را با بولدوزر تخریب کرده و پدر و یکی از برادرانش را برای چندین ساعت بازداشت کردند زیرا آن‌ها در تلاش بودند زمین اطراف محل دفن را مسطح کرده و سنگ قبر نصب کنند.



ضمیمه شماره ۱۷ - تصاویر مرتبط با هتک حرمت مزار نوید افکاری در اسفند ۱۳۹۸

عکس‌هایی از مزار نوید افکاری قبل و بعد از آنکه افراد ناشناسی که گمان می‌رود وابسته به سازمان‌های امنیتی و اطلاعاتی بوده‌اند در اسفند ۱۳۹۹، طرح نوشتاری برجسته‌ای که خانواده نوید افکاری روی سطح بتنی مزار گذاشته بود و از نوید افکاری به عنوان «جهان پهلوان» و «قهرمان کشور» یاد می‌کرد، را خراب کردند.

